

## شیعیان

# و فرصت‌ها و چالش‌های حضور آنان در آفریقا

دکتر سیده مطهره حسینی / استادیار پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی

### چکیده

قاره آفریقا یکی از بزرگ‌ترین قاره‌های مسلمان‌نشین زمین است. شیعیان نیز از نخستین سال‌های آغازین اسلام، به آفریقا کوچیده‌اند و در طول سده‌ها، در بخش‌های گوناگون این قاره حضور داشته‌اند. در این مقاله، چگونگی حضور شیعیان در آفریقا و کمّ و کیف آن بررسی شده و مهم‌ترین دشواری‌های و فرصت‌هایی که اکنون با آن مواجهند، بازناسی و پیشنهادهایی برای بهبود شرایط و کاهش مشکلات ارائه گردیده است. این مقاله، که حاصل مطالعه پژوهشی دقیق درباره شیعیان آفریقا است، آنان را با توجه به محیط زندگی، به چهار بخش شیعیان شمال آفریقا (آفریقای سفید)، شیعیان غرب، شیعیان شرق و شیعیان جنوب شرقی، و شیعیان جنوب تقسیم کرده است. مبنای این دسته‌بندی وضعیت نسبتاً همسان شیعیان در هر یک از این چهار منطقه است.

**کلیدواژه‌ها:** شیعیان، آفریقا، مصر، ایران، حوزه قم، عراق.

## مقدمه

آفریقا تنها قاره‌ای است که نیمی از جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند و شمار مسلمانان نسبت به کل جمعیت این قاره، بیش از قاره‌های دیگر است. شمار مسلمانان آفریقا در طول ۷۰ سال گذشته، چند برابر شده است. در سال ۱۹۳۱ تنها ۴۰ میلیون نفر از مردم آفریقا مسلمان بودند، اما این تعداد در سال ۱۹۵۱ به ۸۰-۹۰ میلیون نفر افزایش یافت و در ۱۹۷۶، به ۱۵۰ میلیون نفر رسید. در آغاز هزارهٔ سوم میلادی، شمار مسلمانان آفریقا سه برابر این تعداد بود. (توفیق مجاهد، ۲۰۰۲، ص ۱۶) بر اساس پژوهشی که در دانشگاه قاهره انجام گرفت، در سال ۱۹۹۶، ۴۲۶ میلیون مسلمان در قارهٔ آفریقا سرشماری شدند، یعنی ۶۹ درصد از مردم این قاره مسلمان بودند.<sup>۱</sup> سرشماری دیگری در سال ۲۰۰۸، شمار مسلمانان آفریقا را بیش از ۳۷۱ میلیون نفر، یعنی ۴۵/۱ درصد کل جمعیت این قاره ذکر کرد.<sup>۲</sup> در گزارش دیگری آمده است: قریب ۲۰ درصد مردم آفریقا پیرو ادیان ابتدایی هستند و از ۸۰ درصد دیگر، نیمی مسلمان و نیمی مسیحی‌اند. (شکیبا، ۱۳۸۶، ص ۲۲)

اقلیت کوچکی از مسلمانان آفریقا شیعه‌اند که از میان آنها نیز شیعیان دوازده امامی اقلیت کوچک و پراکنده‌ای هستند. از شمار این شیعیان، آمار دقیقی در دست نیست. در بیشتر مناطق آفریقا، سرشماری‌های منظم و یا قابل اعتمادی انجام نمی‌شود. در مناطقی که سرشماری انجام می‌شود (مانند دولت‌های نسبتاً استوار و دیرپای شمال آفریقا)، شیعیان سرشماری نمی‌شوند یا شمار آنان اعلام نمی‌شود. از این‌رو، تنها حدس‌ها و ادعاهایی دربارهٔ شمار شیعیان وجود دارد. بر اساس آمارهای مؤسسهٔ «پیو» از قریب ۱۷۷ میلیون شیعهٔ جهان، نزدیک به ۴۰ میلیون نفر (۱۱-۱۴ درصد کل شیعیان جهان) در خاورمیانهٔ عربی - شمال آفریقا زندگی می‌کنند. (Pew forum, 2009, p.8)

۱. در قارهٔ آسیا، که بیشترین تعداد را در بین قاره‌ها دارد، ۳۰ درصد مردم ۱/۰۲۳ میلیون نفر مسلمان هستند. (توفیق مجاهد، ۲۰۰۲، ص ۱۳)

۲. در این گزارش، تعداد مسیحیان قریب ۳۰۴ میلیون نفر ذکر شده که ۳۶/۹ درصد از کل جمعیت آفریقا را شامل می‌شود. (Hassan, 2008, pp2-3)

کشورهای با جمعیت شیعیان بیش از ۱۰۰ هزار نفر (pew, 2009, p.10)

کشور	جمعیت کل کشور	نسبت به کل جمعیت کشور (درصد)		جمعیت تقریبی شیعیان (هزار نفر)		نسبت با کل شیعیان جهان (درصد)	
		حداقل	حداکثر	حداقل	حداکثر	حداقل	حداکثر
۱ ایران	۷۵,۰۷۸	۸۷.۹	۹۳.۲	۶۶,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	۴۲.۴	۳۶.۱
۲ پاکستان	۱۷۰,۲۶۰	۱۰.۰	۱۵.۳	۱۷,۰۰۰	۲۶,۰۰۰	۱.۰۹	۱۳.۴
۳ هند	۱,۱۸۴,۶۳۹	۱.۴	۲.۰	۱۶,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱.۰۳	۱۲.۴
۴ عراق	۳۱,۴۶۷	۶۰.۴	۶۹.۹	۱۹,۰۰۰	۲۲,۰۰۰	۱۲.۲	۱۱.۴
۵ ترکیه	۷۲,۵۶۱	۹.۶	۱۵.۲	۷,۰۰۰	۱۱,۰۰۰	۴.۵	۵.۷
۶ یمن	۲۴,۲۵۶	۳۳.۰	۴۱.۲	۸,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۵.۱	۵.۲
۷ آذربایجان	۸,۹۹۷	۵۵.۶	۷۷.۸	۵,۰۰۰	۷,۰۰۰	۳.۲	۳.۶
۸ افغانستان	۲۹,۱۱۷	۱۰.۳	۱۳.۷	۳,۰۰۰	۴,۰۰۰	۱.۹	۲.۱
۹ سوریه	۲۲,۵۰۵	۱۳.۳	۱۷.۸	۳,۰۰۰	۴,۰۰۰	۱.۹	۲.۱
۱۰ عربستان	۲۶,۲۴۶	۷.۶	۱۵.۲	۲,۰۰۰	۴,۰۰۰	۱.۳	۲.۱
۱۲ نیجریه	۱۵۸,۲۵۹	۲.۵	۲.۵	۴,۰۰۰	۴,۰۰۰	۲.۶	۲.۱
۱۳ لبنان	۴,۲۵۵	۲۳.۵	۴۷.۰	۱,۰۰۰	۲,۰۰۰	۰.۶	۱.۰
۱۴ تانزانیا	۴۵,۰۴۰	۴.۴	۴.۴	۲,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱.۳	۱.۰
۱۵ کویت	۳,۰۵۱	۱۶.۴	۲۲.۹	۵۰۰	۷۰۰	۰.۳	۰.۴
۱۶ آلمان	۸۱,۷۵۸	۰.۵	۰.۷	۴۰۰	۶۰۰	۰.۳	۰.۳
۱۷ بحرین	۸۰۷	۴۹.۶	۶۲.۰	۴۰۰	۵۰۰	۰.۳	۰.۳
۱۸ تاجیکستان	۷,۰۷۵	۵.۷	۵.۷	۴۰۰	۴۰۰	۰.۳	۰.۲
۱۹ امارات متحده عربی	۸۱,۷۵۸	۰.۴	۰.۵	۳۰۰	۴۰۰	۰.۲	۰.۲
۲۰ ایالات متحده آمریکا	۳۰۹,۹۷۵	۰.۱	۰.۱	۲۰۰	۴۰۰	۰.۱	۰.۲
۲۱ عمان	۲,۹۰۵	۳.۴	۱۰.۳	۱۰۰	۳۰۰	۰.۱	۰.۲
۲۲ بریتانیا	۶۲,۰۴۲	۰.۲	۰.۵	۱۰۰	۳۰۰	۰.۱	۰.۲
۲۳ بلغارستان	۷,۵۷۷	۱.۳	۱.۳	۱۰۰	۱۰۰	۰.۱	۰.۱
۲۴ قطر	۱,۶۹۷	۵.۹	۵.۹	۱۰۰	۱۰۰	۰.۱	۰.۱
سرتاسر جهان	۲۴۱۱۳۲۳.۹			۱۵۵,۶۰۰	۱۹۳,۸۰۰		

شیعیان دوازده امامی در همه نقاط آفریقا حضور دارند. در برخی نقاط، همچون جنوب شرقی و برخی کشورهای غربی آفریقا به سبب نیرومند بودن نهادهای شیعی، شیعیان دوازده امامی بیشتر و نیرومندتر به نظر می‌رسند. (Al-Khoei, /Oded, 2000) / ۲۰۰۰ / حکیمی، ۱۳۸۸ / رضانی گل‌افزایی، ۱۳۸۷ / عرب‌احمدی، ۱۳۷۹ / کنعانی، ۱۳۸۷ / فهمی، ۲۵۳۷ / فرحناک، ۱۳۸۸) در برخی نقاط دیگر، مانند شمال آفریقا، آنان حضور مخفیانه‌ای دارند. (رضوان طلب، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸ / [www.africafederation.org](http://www.africafederation.org) / روغنی، ۱۳۸۷) از ۲۴ کشوری که جمعیت شیعیان آنها بیش از ۱۰۰ هزار نفر است، دو کشور نیجریه (با حدود ۴ میلیون نفر شیعه که تقریباً همه ۱۲ امامی‌اند) و تانزانیا (با حدود ۲ میلیون نفر شیعه که بیشتر آنها اسماعیلی‌اند) آفریقایی هستند. (www.pewforum.org, 2009) شیعیان آفریقا به دو دسته بومی و غیر بومی تقسیم می‌شوند. شیعیان بومی آفریقا معمولاً دچار فقر آگاهی و اقتصادی‌اند، ولی شیعیان غیر بومی آفریقا، که از کشورهای همچون هند، لبنان، عراق، ایران و کشورهای کناره جنوبی خلیج فارس به این قاره کوچیده‌اند، دارای آگاهی دینی بالایی هستند و چون در قالب بازرگان در کشورهای گوناگون آفریقا حضور دارند، وضعیت مالی خوبی دارند.

### چارچوب بحث

تفاوت‌هایی جدی میان وضعیت شیعیان در چهار منطقه شمال، غرب، شرق و جنوب شرقی، و جنوب آفریقا وجود دارد. از این رو، در این مقاله، چگونگی حضور، چالش‌ها و فرصت‌های شیعیان آفریقا در چهار منطقه جغرافیایی یاد شده بررسی می‌شود. در منطقه شمال آفریقا، دولت‌های متمرکز و نیرومندی حکومت می‌کنند و فعالیت‌های دینی و سیاسی با نظارت نهادهای دولتی انجام می‌شود. از این رو، در این منطقه، رابطه شیعیان با دولت و نهادهای اجتماعی، محور پژوهش حاضر درباره

شیعیان است. به دیگر سخن، بررسی وضعیت شیعیان شمال آفریقا، منوط به مطالعه تعامل شیعیان با دولت و سازمان‌های وابسته به آن است. بعکس، در منطقه شرق و جنوب شرقی، شیعیان رابطه چندانی با نهادهای دولتی و سیاست ندارند. آنها دارای تشکیلات سازمانی - با محوریت شیعیان غیر بومی - بوده و از وضعیت خوب مالی برخوردارند. شیعیان بومی شرق و جنوب شرقی بسیار فقیرند و در صورت حمایت تشکیلاتی و مالی شیعیان غیر بومی، امکان حضور و بروز می‌یابند. در جنوب آفریقا، شیعیان تابع تشکیلات جنوب شرق آفریقا هستند که از سوی شیعیان غیر بومی رهبری می‌شود. تشیع در این منطقه، نوپاست و تنها نقطه آفریقا به‌شمار می‌آید که شیعیان حضور تاریخی در آنجا نداشته‌اند. بر خلاف شمال، شرق و جنوب آفریقا، در غرب آفریقا شیعیان در یک فضای سیال قرار دارند؛ بدین معنا که در بیشتر کشورها، تشیع به صورت سازمانی فراگیر در نیامده - به استثنای نیجریه و سنگال که تشکیلات شیعی گسترده‌ای دارند - و با دولت رابطه حیاتی ندارد. به عبارت دیگر، دولت‌ها با جریان‌های شیعی مخالفت مستقیم و ساختاری - اداری نمی‌کنند. از این رو، در بیشتر مناطق غرب آفریقا، با پسرقت یا زیرزمینی شدن جریان‌های شیعی - چنان که در شمال و شمال شرقی آفریقا مشاهده می‌شود - مواجه نمی‌شویم. در غرب، همه چیز در چارچوب رسوم و آداب متصوفه پیش می‌رود. در میان جمعیت‌های صوفی نیز، که بیشتر مسلمانان غرب آفریقا در آنها عضو هستند، رد پای میراث تشیع آشکار است، ولی آیین‌ها و باورهای خرافی نیز به فراوانی در میان آنان مشاهده می‌شود.

با وجود آنکه جمعیت شیعیان در آفریقا پرشمار نیست، ولی شیعیان کشورهای آفریقایی فعال و پرشورند. در حالی که بسیاری از کاستی‌ها در کشورهای آفریقایی بر سر راه شیعیان وجود دارد و آنان را حتی در اظهار تشیع به تقیّه وامی‌دارد. البته در برخی از مناطق و کشورها فضا برای تبلیغ آزادانه تشیع فراهم است. با وجود آنکه

جمعیت‌های بومی شیعیان در آفریقا بسیار کم شمارند، ولی تبلیغ در مناطقی همچون نیجریه، (فریدونی، ۱۳۸۷ / طالشی صالحانی، ۱۳۸۲) سودان، (امیردهی، ۱۳۸۵ / السعدی، ۲۰۰۸ / عرفه، ۲۰۰۸) مصر (شفیعی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷) و سنگال (رایزنی فرهنگی ج.ا. در سنگال / وزین، ۱۳۸۶ / بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷) در سده اخیر، و تانزانیا در دو سده گذشته، به گرایش گسترده مردم به تشیع منجر شده است. در ادامه، تحلیلی از فضای حضور شیعیان در مناطق چهارگانه ارائه شده است:

### ۱. شمال آفریقا

در شمال آفریقا، وضعیت کشورها متفاوت است و از این رو، سه دسته کشورها قابل شناسایی هستند:

نخست کشور مصر است که می‌توان از آن با عنوان «پایتخت فکری جهان اسلام» یاد کرد. در این کشور، به عنوان یک نمونه خاص در کل جهان اسلام و قاره آفریقا، وضعیت شیعیان ویژه است که در ادامه، بیشتر درباره آن بحث خواهد شد. دوم مغرب عربی یعنی پنج کشور واقع در شمال غربی آفریقا هستند (مراکش، الجزایر، تونس، لیبی، موریتانی) که وضعیت آنها مشابه مصر است، با این تفاوت که شیعیان مصر پرشمارند، امکان آشکار کردن فعالیت‌های خود را به صورت بسیار محدود دارند و تاریخ تشیع در مصر غنی‌تر و نیرومندتر از مغرب عربی است. (رایزنی فرهنگی ج.ا. در دوحه، ۱۳۷۵ / احمد، ۱۳۸۳، ص ۱۶ / بهبهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲ / بحرانی (ب)، ۱۳۸۴، ص ۴۶۷ / خسروشاهی، ۱۳۸۵ / بحرانی (الف)، ۱۳۸۴، ص ۵۵۹ / آذرشب، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱ و ۲۰۳ / مصطفی، ۱۳۸۷، ص ۲۷) در بیشتر مناطق مغرب عربی، حتی امکان اظهار تشیع هم وجود ندارد.

سوم کشورهایی هستند که نظام بسته و غیر قابل نفوذی در آنجا حاکم است. از این دسته، به‌ویژه باید از الجزایر و چاد یاد کرد که دارای محیط اجتماعی سنتی و

استبدادی هستند و بدین‌روی، نه تنها امکان فعالیت شیعیان در آنها وجود ندارد، بلکه اطلاعاتی از وضعیت شیعیان نیز به بیرون درز نمی‌کند.

در شمال آفریقا، شیعیان و نهادهای شیعی تابع دولت هستند. در واقع، به دلیل قدرت دولت و گفتمان‌های حاکم بر جامعه، تقریباً در همه کشورهای شمال آفریقا، بجز سودان، (عرفه، ۱۴۲۷/مرغی، ۲۰۰۴، ص ۵۴/ملکوتی‌تبار، ۱۳۸۸) شیعیان دین خود را پنهان می‌دارند. البته برخی از مناطق مصر استثناست. در مصر، به دلیل احترام و علاقه مردم به اهل بیت علیهم‌السلام، اظهار تشیع دیده می‌شود، ولی این شیعیان با آشکار کردن آیین خود، در برابر نظام رسمی اجتماعی قرار گرفته، خطرهای بزرگی را پذیرا می‌شوند. به دلیل فعالیت گروه‌های تندرو، سلفیان و وهابیان، روز به روز امکان پیشرفت اجتماعی و شغلی شیعیان کاهش یافته، توزیع اطلاعات نادرست درباره شیعیان افزایش پیدا کرده است. (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۴/Janabi, 2006/عرفه، ۲۰۰۸/معاونت امور بین‌الملل شعبه مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/الورادانی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۹-۱۸۱) برخی منابع با استناد به ظواهر امر، حتی گفته‌اند: در مصر، مردم هیچ پیوندی با تشیع ندارند، ولی با توجه به پیوندهای عینی مردم با میراث تشیع، مردم مصر در شادی‌ها، عروسی‌ها، مراسم آیینی و بومی، سنت‌های دیرین، باورهای عام و حتی در نام‌گذاری فرزندان خود، پیوند با میراث تاریخی شیعی را حفظ کرده‌اند. از جمله این سنت‌ها، پاسداشت مقام بزرگان درگذشته شیعی و بارگاه‌های آنان در مصر است. (موسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸/رمضانی گل‌افزایی، ۱۳۸۷)

از میان کشورهای شمال شرقی آفریقا، در سودان وضعیت شیعیان بهتر از دیگران است. در این کشور، شیعیان ایرانی توانسته‌اند مدرسه‌ها، حسینیه‌ها و مساجدی بسازند. (پاک آیین، ۱۳۸۲/امیردهی، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۲۱-۱۳۴) اگر در نظر داشته باشیم که شیوخ صوفی سودان در جهت‌گیری‌های دولتی این کشور نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، (Hassan, 2008, p.4) می‌توان به این نتیجه رسید که رهبران دینی این کشور

در مجموع، نظر مثبتی به تشیع دارند. با توجه به جایگاه وزین دینی و عرفانی سودان در آفریقا، این امر بسیار مطلوب است. به دلیل همین وزانت و اهمیت است که وهابیان و سلفی‌های تندرو نسبت به حضور قدرتمند شیعیان و ایرانیان در سودان بسیار حساس بوده و از حضور سازمان‌های شیعی در این کشور بسیار خشمگین هستند. رویکرد دولت سودان و نهادهای اجرایی کاملاً به روابط سیاسی ایران و سودان بستگی دارد. کوچک‌ترین نشانه‌های مثبت شدن روابط سیاسی به آرامش و امنیت بیشتر فعالیت‌های شیعیان سودان منجر خواهد شد. هرچند به نظر می‌رسد دولت سودان در برابر جمهوری اسلامی ایران رویکردهای مثبتی دارد و تا حدّ ممکن از تنش آفرینی‌های همسایگان دور و نزدیک (مصر به طور خاص و عربستان در درجه بعد) می‌گریزد، اما به دلیل آنکه سیاست خارجی سودان در برخی اصول کلی، در گرو تصمیمات راهبردی مصر است، دولت‌مردان این کشور ناگزیرند امنیت ملی خود را مخالفت با مصر به خطر نیندازند. از سوی دیگر، سودان به عنوان تنها کشور شمال و شمال شرقی آفریقا، که اجازه فعالیت به شیعیان داده است، می‌تواند به عنوان پایگاه تبلیغ و فعالیت‌های تکمیلی (اجتماعی، اقتصادی، آموزش و فرهنگ) مورد توجه قرار گیرد. (ابوعالم و شوقی، ۲۰۰۳، ص ۶۰ / السعدی، ۲۰۰۸ / مرغی، ۲۰۰۴، ص ۶۴-۶۶) به همین دلایل است که کشورهای عربی و به ویژه عربستان به ساختن دانشگاه در سودان اهمیت داده و یا روی دانشگاه‌های این کشور سرمایه‌گذاری فرهنگی زیادی کرده، حمایت‌های مالی و بورس‌های دست و دلبازانه‌ای ارائه می‌کنند. (مهدوی، ۱۳۶۹)

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران به تنهایی و حتی به همراه شیعیان فعال عراق، لبنان، خلیج فارس، پاکستان و سایر نقاط، امکان هم‌اوردی مالی و اقتصادی با جهان عرب سنی را ندارد، فعالیت‌های اقتصادی منطقه‌ای یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای رسیدن به اهداف خرد و کلان سیاست خارجی ما - از جمله شناسایی ظرفیت‌های تشیع، نیرومند کردن و گسترش آنها - است. از این‌رو، حضور اقتصادی



ایران در سودان، یعنی شرکت در برنامه‌های استخراج نفت این کشور و نیز فعالیت شرکت گاز، زمینه‌های همکاری و فعالیت فرهنگی را بیشتر و استوارتر می‌کند. از کشورهایی همچون الجزایر و لیبی هیچ اطلاعاتی به خارج ارائه نمی‌شود. الجزایر کشوری است که حتی جابه‌جایی میان استان‌ها به تأییدیه دولت یا همان گذرنامه‌های بین استانی نیاز دارد و در چنین شرایطی، به سبب پایش شدید دولتی، ناتوانی اقتصادی مردم و نا امنی‌های موجود، امکان برقراری رابطه یا رصد موقعیت دسته‌های شیعی در آن کشور موجود نیست. (ریال، ۱۳۸۷/ بنی‌جمالی، ۱۳۸۸) لیبی شرایط چندانی بهتر ندارد. گفته می‌شود: در این کشور، مجازات نانوشته اظهار تشیع، مرگ بود. (دکمجان، ۱۳۸۳) البته معمر قذافی، رهبر پیشین لیبی، در چند سال آخر حاکمیت خود، پی برده بوده که هم خودش شیعی و فاطمی است و هم کل آفریقا و نیز مابقی اهل سنت. (خبرگزاری انتخاب، ۱۴ فروردین ۱۳۸۷) در چنین نظام ناستواری، که نخستین دغدغه اجتماعی مردم یعنی امنیت تضمین نشده و ساختارهای اداری و دولتی به تبعیت از قبایل صحرائی توسعه می‌یابد، امکان هیچ‌گونه فعالیتی وجود ندارد. از آنجا که امیدی به خیر این نظام برای جهان تشیع وجود ندارد، تنها می‌توان از آسیب‌های بیشتر نظام سیاسی لیبی به فعالیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی شیعیان جلوگیری کرد.

در مناطق مغرب عربی (شمال شرقی آفریقا)، دولت‌های توسعه‌خواه به شدت از نفوذ آیین‌های تغییرخواه، همچون شیعیان و وهابیان جلوگیری می‌کنند و این مناطق به طور کلی، برای فعالیت تبلیغی تشیع مناسب نیستند. شیعیان بومی نیز با آشکار نمودن آیین خود، با انواع محدودیت‌ها و برخوردها دچار می‌شوند. (حسّی، [www.montadaalquran.com](http://www.montadaalquran.com) / مرغی، ۱۳۸۲، ص ۶۳۸-۶۴۰ / شکیبایی، ۱۳۸۷) با توجه به آنکه امکان راه‌اندازی مراکز، مدارس و کانون‌های دینی در کشورهای مغرب عربی

وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود همکاری در چارچوب فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و همکاری‌های علمی - دانشگاهی بدون ایجاد هیچ‌گونه حساسیت دینی در این کشورها دنبال شود. بیش از هر چیز، زمینه همکاری‌های فرهنگی و علمی با این کشورها فراهم است. همکاری اقتصادی نیز تا حدی امکان‌پذیر است، اما به دلیل آنکه تونس و مغرب در چارچوب اقتصاد بازار، همسو با آمریکا و اروپا عمل می‌کنند و به سبب نزدیکی با اروپا، تراز بازرگانی بالایی با اروپا دارند، زمینه‌های فعالیت اقتصادی در آنها چندان فراهم نیست. نظام اقتصادی الجزایر نیز به صورت جسته و گریخته در چارچوب‌های سوسیالیستی عمل می‌کند. بدین‌سان، همکاری با این نظام دشوار است. خلاصه آنکه گسترش فعالیت‌های فرهنگی (همانند توریسم، برگزاری جشنواره‌های مشترک بین کشوری و بین استانی، خرید و فروش فیلم و مانند آن) و فعالیت‌های علمی - دانشگاهی در زمینه‌های گوناگون، می‌تواند به تدریج، ذهنیت‌های منفی و تبلیغات مسموم علیه جمهوری اسلامی ایران در این کشورها را خنثا کرده، زمینه فعالیت‌های گسترده‌تر در دهه‌های آینده را فراهم نماید. الگوی فعالیت در مغرب عربی، باید همانند نمونه فعالیت و همکاری ایران با ترکیه باشد که با وجود موانع متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران توانست با فعالیت‌های چندجانبه یخ‌های روابط با ترکیه را بشکند.

به‌طور کلی، شمال آفریقا منطقه نفوذ و قدرت دولت‌های متمرکز فراگیر است؛ از یک‌سو، امکان فعالیت‌های گسترده و تأسیس سازمان وجود ندارد، و از سوی دیگر، شیعیان آنها بومی‌اند و به دلیل کنترل شدید دولت، از پایه‌های عقیدتی خود، آگاهی چندانی ندارند و امکان فعالیت تبلیغی یا آموزشی، حتی در میان پیروان تشیع را ندارند. برنامه‌ریزی در این مناطق نیز باید با توجه به این محدودیت‌ها انجام پذیرد.

### مصر

مصر به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان اسلام، محل رویارویی آرای مسلمانان است و به دلیل فعالیت سلفیان در این کشور، برخوردهای زیادی با شیعیان صورت می‌گیرد. اما در عین حال، این کشور از زمینه‌های فراوانی برای فعالیت مسالمت‌آمیز برخوردار است و افزون بر وجود شرایط فرهنگی، فکری و تاریخی، نهادهای دانشگاهی و علمی این کشور از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالایی برخوردارند. (حسام، ۱۳۸۳) با وجود این، هم مصر از گسترش باورهای شیعی در میان دانشجویان خود نگران است و هم ایران علاقه‌ای به فرستادن دانشجو به کشورهای اهل سنت ندارد. با توجه به هجوم نهادهای و برنامه‌ریزی شده و هتایت به مرزهای جنوبی کشورمان، ج.ا. ایران می‌تواند ترتیباتی اتخاذ کند تا دانشجویان اهل سنت به جای آنکه در حوزه‌های علمیة پاکستان و امارات جذب شوند، در دانشگاه‌های مصر مشغول تحصیل شوند که از محتوای آموزشی به مراتب میانه‌روتری برخوردارند، هرچند تاریخ روابط خارجی ایران و مصر نشان داده است که همواره متن روابط دو کشور سیاسی بوده و پس‌زمینه روابط دوستانه یا غیر دوستانه میان دستگاه سیاست خارجی دو کشور، سرنوشت سایر جنبه‌های ارتباطی خارجی ایران و مصر - مانند فعالیت‌های فرهنگی - را تعیین می‌کند.

جست‌وجو در پایگاه جامع کتاب‌خانه‌های دانشگاهی مصر (اتحاد مکتبات الجامعات المصریه)<sup>۱</sup> مجموعه خوبی از کتب شیعی در دسترس قرار می‌دهد، ولی درباره وضعیت کنونی شیعیان یا کتاب‌های غیر دینی آنان - برای نمونه، در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و معماری - منبعی معرفی نمی‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد نگرش‌ها به شیعیان رنگ و بوی دینی - عقیدتی دارد و همین امر منشأ تضاد، چالش و ناهمسازی است. به دیگر سخن، تنها درباره باورهای شیعی تحقیقاتی وجود دارد و همین موجب نیرومند شدن منابع تنش و ناهمخوانی آیینی میان شیعیان و غیر شیعیان شده است.

1. <http://www.eulc.edu.eg/eulc>.

کوتاه سخن آنکه در شمال آفریقا و به ویژه در مصر، برای گسترش تشیع یا اثبات حقانیت آن، باید راه سودمندی یافت، مبارزه به زیان ماست. تقیه از اصول اساسی تشیع است که امامان شیعه بدان پایبند بودند. بنابراین، نباید پیش‌تر از آنان، ره سپرد. بهره بردن از تقیه نظری و عملی و برنامه‌ریزی برای سیاست خارجی منظم و موفق، زمینه فعالیت‌های فرهنگی را فراهم می‌کند، هرچند تا دهه‌ها پس از این، نباید امیدی به فعالیت‌های دینی گسترده در شمال آفریقا داشت. گسترش زمینه فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی در این منطقه، یک گام بزرگ برای آینده است.

## ۲. شرق و جنوب شرقی آفریقا

تشیع در آفریقای شرقی و جنوب شرقی، دارای ماهیت سازمانی و نهادینه است و از این نظر، تفاوتی ماهوی با تشیع در آفریقای شمالی و غربی دارد. در آفریقای شمالی، تشیع تابع ملزومات دولتی و قانونی است و تشیع در آفریقای غربی، ماهیتاً با ویژگی‌های تصوف و دسته‌های صوفی ارتباط نزدیکی دارد. بر خلاف این دو منطقه، در آفریقای خاوری، با ورود شیعیان دوازده امامی هندی و پاکستانی در چند سده گذشته و موفقیت مالی آنان در حوزه بازرگانی، تشکیلات اجتماعی شیعیان گسترش یافته است. حاکمیت ایرانیان (شیرازی‌ها) تا ۵۰۰ سال پیش از این، در زنجبار (جزیره زنجبار و کشور تانزانیا) یعنی تا پیش از ورود پرتغالی‌ها به منطقه، (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۴) پیشینه مناسبی برای فعالیت شیعیان دوازده امامی هندی‌الاصل فراهم آورده بود؛ زیرا بسیاری از اینان در ابتدا، از ایران به هند رفته و سپس به دلیل فقر مالی و محدودیت‌های مذهبی، به آفریقا کوچیده‌اند. (روغنی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰-۱۵۲) هم‌اکنون وجود سازمان‌های نیرومند و ثروتمند شیعی (www.afosa.org / www.africafederation.org) در منطقه، زمینه را برای فعالیت آنان به صورت نهادینه و بیرون از چارچوب‌های دولتی فراهم ساخته است. از این‌رو، مطالعات شیعیان شرق و جنوب شرقی آفریقا و فهم چند و چون مناسبات آنان در منطقه، تابع

یک منطق سازمانی است و باید سازمان‌های شیعی و به ویژه «جماعت شیعیان خوجه ائنا عشری» و مهم‌ترین سازمان تابع آن یعنی «بلال مسلم میشن» را، که رابط شیعیان بومی و فقیر با شیعیان غیر بومی است، بررسی کرد تا سیمای وضعیت شیعیان ترسیم شود.

تشیّع در کشورهای شرقی و جنوب شرقی آفریقا به دلیل حضور شیعیان خوجه شناخته شده است. خوجه‌ها نخستین بار در کنیا و تانزانیا ساکن شدند، به کشورهای کومور (جزایر قمر)، ماداگاسکار، جزایر موریس، آفریقای جنوبی، کنگو، رواندا، بوروندی، و اوگاندا نیز کوچیدند. (روغنی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰ / عرب‌احمدی، ۱۳۷۹، صص ۴۰، ۶۰ و ۲۱۰) از این رو، امروز جمعیت‌های شیعیان بومی و غیر بومی (خوجه‌ها) را در همه این کشورها می‌بینیم. اکنون مجموعه‌ای از فعالیت‌های شیعی توسط طلاب بومی و سازمان‌ها - البته با همراهی شیعیان بومی و حمایت برخی از شیعیان حوزه خلیج فارس - نیز انجام می‌پذیرد. ([www.Kenbilal.Org](http://www.Kenbilal.Org) / [www.africafederation.org](http://www.africafederation.org))

تشکیلات فدراسیون جهانی شیعیان خوجه ائنا عشری ([www.africafederation.org](http://www.africafederation.org)) در شرق آفریقا، در عین حال که جای پای استواری برای حضور شیعیان در سده اخیر در آفریقا پدید آورد، با ایجاد سازمان‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و دینی، زمینه‌های نیرومند شدن شیعیان منطقه را نیز فراهم کرد. خوجه‌ها، که در ۱۲۰ سال اخیر برای بازرگانی به کشورهای گوناگون جنوب و جنوب شرق آفریقا کوچ کرده‌اند، در هر جا مستقر شده و جمعیتی از آنها گرد آمده‌اند، حسینیه، امام‌باره و مسجد ساخته‌اند. (عرب‌احمدی، ۱۳۷۹، صص ۷۰ و ۱۰۰ و ۱۵۴) آنها در این مکان‌ها گرد می‌آیند و به برگزاری مراسم دینی می‌پردازند. با گسترش جمعیت خوجه‌ها در برخی کشورهای جنوب شرق آفریقا، بر شمار این نهادهای دینی افزوده شده، نهادهای اجتماعی و فرهنگی نیز تأسیس کرده و زمینه را برای ورود آفریقاییان و سیاه‌پوستان به درون جمعیت‌های شیعی فراهم آورده‌اند. پس از تأسیس فدراسیون جهانی خوجه‌های ائنا عشری، همه فعالیت‌های غیر اقتصادی خوجه‌ها متمرکز شده و رهبری

یگانه‌ای آن را اداره می‌کند. رهبری فدراسیون، انتخابی است و انتخابات آن به صورت منظم برگزار می‌شود. همچنین وجوه مادی و کمک‌های مالی خوجه‌ها به صورت متعهدانه یا اختیاری به این فدراسیون داده می‌شود و این مبالغ صرف فعالیت‌های مشخص و فراگیر فرهنگی، دینی، آموزشی و اجتماعی می‌شود. فدراسیون تقریباً در همه کشورهای شرقی و جنوب آفریقا دفتر دارد و همه دفاتر موظفند برنامه‌های آیینی (همچون برگزاری مراسم دینی شیعیان مانند مراسم ماه محرم)، آموزشی (آموزش قرآن و دروس دینی، تأسیس و اداره مدارس به ویژه در نقاط محروم به وسیله «بلال مسلم میشن»)، اجتماعی (ساخت مدارس، مساجد و ساختمان‌های مسکونی، باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی محل تجمع شیعیان) را با توجه به نیاز منطقه و امکانات موجود پی‌گیری کنند. (روغنی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸) این برنامه‌ها در مناطق گوناگون، به صورت بسیار گسترده (در کشورهایمانند کنیا، زنگبار، و دارالسلام) یا بسیار محدود (مانند مناطق بسیار محروم جنوب شرق یا دارای جمعیت‌های کم‌شمار شیعه در جنوب) انجام می‌شود. (نانجی، ۱۳۸۴)

«بلال مسلم میشن» برای تبلیغ در میان مردم آفریقا، به چاپ و توزیع کتاب و تأسیس مراکز اسلامی پرداخته و هم‌اکنون قریب یکصد مرکز اسلامی را در مناطق گوناگون آفریقا زیر نظر دارد. از دفاتر فعال «بلال مسلم میشن» در آفریقا، می‌توان به شعبه‌های این سازمان در کنیا، ([Http://www.Kenbilal.Org](http://www.Kenbilal.Org)) دودوما، ([www.Darulmuslimeen.Org](http://www.Darulmuslimeen.Org)) تانزانی، ([www.Bilaltz.Org](http://www.Bilaltz.Org)) موشی ([www.Bilalmoshi.Com](http://www.Bilalmoshi.Com)) اشاره کرد. با فعالیت این مراکز تا کنون بیش از پنجاه هزار نفر در کشورهای کنیا، تانزانی، ماداگاسکار و اوگاندا به آیین تشیع گرویده‌اند. (نانجی، ۱۳۸۴) متأسفانه اکنون «بلال مسلم میشن» به عنوان بازوی فعالیت اجتماعی - فرهنگی خوجه‌ها، بسیار ضعیف شده و خوجه‌ها به دلایل گوناگون، از جمله آنکه در امور اقتصادی بسیار موفق‌تر از دیگر زمینه‌ها بوده‌اند، گرایش زیادی به مهاجرت به اروپا و امریکا پیدا کرده‌اند. خوجه‌هایی که در آفریقا مانده‌اند به دلیل فضای بسته فدراسیون و خلیقات

سودجویانه‌ای که بر این جماعت حاکم است، از برقراری روابط گسترده با آفریقایی‌ها و حتی با سایر شیعیان دوری می‌کنند. شیعیان بومی نیز معمولاً بسیار فقیرند و با وفات سید سعید اختر رضوی و تضعیف «بلال مسلم میشن»، دست حمایت اқشار ثروتمند و آگاه نیز از سر آنها کوتاه شده است. (علیدوستی، ۱۳۸۹/عرب‌احمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱-۱۵۳)

### ۳. جنوب آفریقا

اسلام در دوره استعمار، وارد کشورهای جنوب آفریقا شد. گسترش تشیع در این منطقه، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و در قالب تشکیلات شیعیان هندی و پاکستانی‌الاصول و با حمایت ج.ا. ایران صورت پذیرفت و در برخی مناطق، مانند آفریقای جنوبی، که سید آفتاب حیدر رضوی، خوجه پاکستانی با پشتیبانی ایران در آنجا مستقر شده، بسیار موفق بوده است. وضعیت شیعیان جنوب آفریقا شبیه جنوب شرقی این قاره است و در واقع، جنوب آفریقا منطقه نفوذ شیعیان خوجه ساکن در کنیا، تانزانیا و کشور آفریقای جنوبی به شمار می‌آید. البته شمار شیعیان ساکن در جنوب بسیار کم است. شمار شیعیان غیر بومی نیز اندک است. به دلیل آنکه حجة الاسلام و المسلمین سید آفتاب حیدر رضوی پس از استقرار در منطقه، بازرگانی موفقی دایر کرده است اینک نیازی به پشتیبانی‌های ج.ا. ایران ندارد. مؤسسه «اهل‌البیت (ع)»<sup>۱</sup> سید آفتاب حیدر رضوی (افوسا) اکنون در بیشتر کشورهای جنوبی و جنوب غرب آفریقا دفتر دارد و با حمایت‌های مالی تشکیلات بازرگانی او مشغول کار است. البته در بیشتر کشورهایی که در فاصله بین جنوب تانزانیا تا کشور آفریقای جنوبی واقع شده‌اند، هنوز تشیع ناشناخته و شمار شیعیان بسیار کم است. فضای کشورهای این منطقه برای فعالیت شیعیان، بسیار شبیه کشورهای جنوب

1. **Ahlul Bait (As) Foundation South Africa (AFOSA)**. 9 Port Jackson Road Lincoln Estate, Cape Town Western Cape 7764, Phone Number: 27-21-633-1574. Contact: Mariam Navsa.

نشانی اینترنتی مؤسسه: <http://www.afosa.org>

شرقی آفریقا (کنیا و تانزانیا) است. همانند این کشورها، در جنوب آفریقا، تشیع از سوی سازمان‌های وابسته به شیعیان غیر بومی هندی (خوجه‌ها)، حمایت می‌شود. شیعیان بومی کشورهای جنوب آفریقا معمولاً فقیر و اندکند و با حمایت شیعیان غیر بومی، که بازرگانان آسیایی‌تبارند، امکان ادامه حیات و گسترش آیین تشیع در میان آنها وجود دارد. در این مناطق نیز نهادهای شیعی خصوصی است و با دولت، بجز در مسائل مالی، هیچ برخورد یا کنشی ندارند. شیعیان دوازده امامی شرق، جنوب شرق و جنوب آفریقا، در مسائل سیاسی وارد نمی‌شوند و در فقه شیعی، بیشتر تحت تأثیر حوزه عراق هستند. از این رو، معمولاً از مراجع نجف و کربلا تقلید می‌کنند.

#### ۴. غرب آفریقا

یکی از کانون‌های پراهمیت اسلام در قاره آفریقا، غرب آفریقا و به ویژه کشور سنگال است. در غرب آفریقا، اسلام ماهیتی صوفیانه دارد و از این رو، این منطقه به «مرکز معنوی» اسلام در آفریقا نام‌بردار است. بنابراین، بررسی اسلام در غرب آفریقا و نیز آیین تشیع، در گرو ورود به مبحث تصوف است. بزرگ‌ترین کانون تشیع در آفریقای باختری، در شمال نیجریه قرار دارد. در این منطقه و به ویژه در «سوکوتو» به عنوان یک سلطان‌نشین مسلمان، در چند سده اخیر، تبلیغات یک شیعه بومی به نام «ابراهیم زاکزاکي»، منجر به روی آوردن مردم به آیین تشیع شده است. شیخ ابراهیم یعقوب زاکزاکي رهبر برجسته شیعیان نیجریه و گروه «اخوان المسلمین»<sup>۱</sup> است که در غرب و مرکز آفریقا، به خوبی شناخته شده و از محبوبیت نسبی در جامعه اسلامی این منطقه برخوردار است. ابراهیم زاکزاکي در سال‌های نخست انقلاب اسلامی، پس از سفری که به ایران داشت، به تشیع گروید. (فریدونی، ۱۳۸۷) وی پس از پایان تحصیلات خود در قم، به نیجریه بازگشت و گروه «اخوان

۱. این گروه با گروه «اخوان المسلمین» که در آفریقای شمالی (مصر) تشکیل شد و در خاورمیانه شعبه‌هایی دارد و یک گروه سنی سلفی است، متفاوت است.



المسلمین» را تشکیل داد که به «جنبش اسلامی نیجریه» نیز معروف است. دامنه فعالیت‌های این گروه به همه کشورهای غرب آفریقا می‌رسد که در همسایگی نیجریه قرار دارند.

سیمای عمومی جامعه نیجریه در چند دهه اخیر، بیانگر آن است که نیجریه صحنه جنگ‌های مذهبی میان صوفیان، شیعیان، سنّیان و مسیحیان بوده است. در سده بیستم، در برابر تأثیرات بیداری اسلامی در احیای اسلام، کشورهای غربی وارد عمل شدند و آفریقایی کردن مسیحیت و بومی‌سازی آن را مورد اهتمام قرار دادند. پیش از آن و در دوران ورود اسلام به قاره آفریقا و پیش‌روی آن تا مرزهای نیجریه و نیز از هنگامی که استعمارگران قاره آفریقا را کشف کردند، نیجریه همواره محل برخورد اسلام و مسیحیت در آفریقا بوده است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۷) مسیحیت همواره با ارائه خدمات گوناگون، در صدد جلب نظر مسلمانان کشورهای قاره آفریقا، از جمله نیجریه برآمده است. تقریباً در هیچ دوره و زمانی میان مسلمانان و مسیحیان در نیجریه سازگاری پایداری وجود نداشته و همواره درگیری‌های متعددی میان مسیحیان و مسلمانان درباره مسائل و موضوعات متعدد، از جمله اجرای قانون «شریعت اسلامی» طی سالیان اخیر رخ داده که به وقوع تشنج‌های مکرر منجر شده است. (طالشی صالحانی، ۱۳۸۲، ص ۳۷-۳۸) درگیری خونین میان شیعیان، سنّیان، صوفیان و مسیحیان در شمال نیجریه از خبرسازترین اخبار آفریقا از دهه ۱۹۹۰ به بعد بوده است. پرسشی که درباره فعالیت شیعیان در این منطقه مطرح می‌شود مربوط به آینده این فعالیت‌هاست: آیا با وجود فضای عمل خشنی که میان صوفیان، شیعیان، سنّیان، مسیحیان، دولت نیجریه و کشورهای اهل سنت همسایه به وجود آمده، آینده خوشایندی برای شیعیان متصور است؟ پاسخ به این پرسش مستلزم یک بحث نظری جامعه‌شناسانه است که در بخش پایانی آمده است.

در غرب آفریقا، به دلیل گرایش به تشیع و فعالیت موفق مبلغان لبنانی مانند شیخ عبدالمنعم زین‌الدین در سنگال (الزین البنانی، ۲۰۰۴ / رایزنی فرهنگی ج.ا.ا در سنگال، ۱۳۸۶) یا شیعیان تحصیل کرده در ایران (مانند شیخ ابراهیم زاکزاکی در نیجریه (فریدونی، ۱۳۸۷ / مؤذن، ۱۳۸۷ / Islamic movement of Nigeria) یا عبدالسلام بنسی در غنا (بنسی، ۱۴۱۵ / صدرحسینی، ۱۳۸۵) بیشترین جنبش و جوش و گرایش به تشیع به چشم می‌خورد. در کشورهایمانند ساحل عاج، سنگال و بنین، آیین تشیع به وسیله افرادی گسترش یافته، ولی به خشونت و خونریزی منجر نشده است. حتی از برخی مناطق گزارش شده که یک نفر توانسته است چند صد هزار نفر یا یک میلیون نفر را شیعه کند. (سیوطی، ۱۳۸۹)

به دلیل آمیخته شده تصوف با آیین‌های بومی آفریقا و نیز انحراف آیین‌های صوفی از اصول نخستین خود، که پیران برخی طریقت‌ها فرصت را برای گول زدن مردم و پر کردن کیسه خود از دست نمی‌دهند (از جمله، ادعای یک پیر طریقت در دیدن امام زمان عجله و برشمردن ویژگی‌های او: <http://alkunty.com>). کانون خیزش آیین‌های صوفی در غرب آفریقا (سنگال و مناطق اطراف آن)، محوری برای تشکیل گرایش‌های انحرافی شده است. یکی از این نمونه‌ها جای‌گزینی شهر «طوبی» به عنوان کعبه فرقه صوفی «احمدیه» و طواف در این شهر است. (Terdman, 2006, p9-10 / وزین، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۶) همچنین ظهور چند امام زمان در طی ۱۵۰ سال، از دیگر مدعیات فرقه‌های صوفی بوده (Hassan, 2008, p.4) که بنیان دینی آنها مختلط، فقه آنها معمولاً مالکی و گرایش‌های آنها شبه شیعی است. متأسفانه مردم هم غالباً سخنان اینان را باور می‌کنند و بدان‌ها می‌گروند.

به دلیل آنکه اسلام در غرب آفریقا ماهیت صوفیانه دارد، تبلیغ نیز به وسیله افراد - و نه سازمان‌ها - بسیار کارساز بوده و مردم زمانی که جذب یک شخصیت یا فرد می‌شوند به صورت گسترده به آیین او می‌گروند. به همین دلیل است که فعالیت‌های سازمانی دولتی در این منطقه انجام نمی‌پذیرد و اساساً این‌گونه فعالیت‌ها در بیشتر کشورهای این منطقه (بجز سنگال و نیجریه) با اقبال عمومی روبه‌رو

نمی‌شود. بعکس، فعالیت‌هایی که ماهیت گروهی داشته باشند و در قالب انجمن‌های صوفی و به صورت دسته‌های منطقه‌ای عمل می‌کنند، بسیار جذاب است.

### تحلیل شکلی گروه‌های شیعه در آفریقا

دسته‌هایی از شیعیان در شمال، شرق، غرب و جنوب آفریقا ساکن هستند. هر یک از مناطق، بخش‌ها، کشورها و شهرهای محل زندگی شیعیان در چهار گوشهٔ جغرافیایی، ویژگی‌هایی خاص خود دارد. این ویژگی‌ها ناشی از مؤلفه‌های ذیل است:

#### پیشینهٔ تاریخی حضور تشیع در منطقه

پیشینهٔ تاریخی حضور شیعیان به دلیل تأثیر این حضور بر شیعیان منطقه، اهمیت دارد. اکنون از این بعد، با نمونه‌های ذیل در آفریقا مواجه هستیم:

**شیعیان در برابر دولت و ساختارهای اجتماعی:** در مناطق شمالی آفریقا، با وجود آنکه مردم قرن‌ها زیر نفوذ حکومت‌های شیعی، از جمله ادرسیه،<sup>۱</sup> فاطمیان، (ناصری طاهری، ۱۳۷۹/ طقوش، ۱۳۸۰، ص ۳۴/ الشای، ۱۹۷۵، ص ۱۵۱) موحدون (عمر موسی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴) زیسته‌اند، اکنون شیعه بودن جرم یا گناه یا ضد هنجار تلقی می‌شود. شیعیان مناطق شمالی آفریقا معمولاً در تضاد با دولت و سلفیان تندرو یا وهابی قرار دارند. همین گروه‌ها آزادی بیان را از شیعیان سلب کرده، به تبلیغات مستمر، اغراق‌آمیز و نادرست دربارهٔ تشیع مشغولند (جبرین، ۱۳۷۴) و جلوی معرفی آیین اهل‌بیت (ع) به عموم مردم علاقه‌مند و دوستدار آنان را می‌گیرند.

**حضور نظام‌یافته و سازمانی:** حضور تاریخی شیعیان در مناطق شرق و جنوب شرقی سودمندترین اثرات را به جای گذاشته است. شیعیان در این مناطق، معمولاً به عنوان

---

۱. «ادرسیه» نخستین دولت علوی شمال آفریقا بود که در مغرب قوت گرفت. (چلونگر، ۱۳۸۱، ص ۶۳)

بازرگان و گاه مبلغ دینی وارد شده‌اند و در مقایسه با دیگر مناطق آفریقا، کمترین تضاد میان شیعیان با عموم مردم و دستگاه‌های حکومتی وجود دارد. شیعیان این مناطق بر خلاف شیعیان کشورهای شمال آفریقا، از دولت و نهادهای دولتی تا حدّ زیادی دوری می‌گزینند و تقریباً هیچ‌گاه وارد سیاست نمی‌شوند، مگر اینکه منافع بازرگانی آنها به طور مستقیم در خطر قرار گیرد که آن هم به سبب روابط خوب آنان با دستگاه‌های دولتی، چنین امری نادر است. منطقه جنوب آفریقا نیز وضعیتی مشابه شرق و جنوب شرقی دارد، با این تفاوت که حضور شیعیان در این منطقه بسیار کم‌رنگ‌تر و کم‌شمارتر است. افزون بر این، بر اساس مدارک مستند، تشیع از زمان امام سجاد علیه السلام و یا پیش از آن در شرق آفریقا وارد شده،<sup>۱</sup> اما منطقه جنوب در چند سده اخیر، با میراث اسلام و تشیع آشنا شده است.

### بروز خشونت و رواج بدعت

در غرب و مرکز آفریقا، به دلیل نفوذ تشکیلات صوفیان و حاکم بودن روح ساختارگریزی و معناگرایی دینی - آن هم به شکلی منفی - آیین تشیع با وجود موفقیت‌های موردی چشم‌گیری که در چند کشور به دست آورده، به شدت درگیر مبارزه بوده است. همچنین هجوم آیین‌های التقاطی و بدعت‌گرایانه مبارزه را شدیدتر کرده است. در واقع، حضور تاریخی صوفیان در غرب آفریقا، به دلیل شرایط خاص کشورهای منطقه و رویدادهای تاریخی پر کش و قوس، منجر به ظهور انواع بدعت‌های غریب شده است. برای نمونه، در سال ۱۸۸۸ شهر «طوبی» از سوی شیخ

۱. در صحیفه کامله سجادیه (دعای ۲۷) چنین مناجات شده است: «اللَّهُمَّ وَاعْمُم بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالتُّرْكِ وَالْحَزَرِ وَالْحَبَشِ وَالنُّوبَةَ وَالزَّنَجَ وَالسَّقَالِبَةَ وَالدَّبَالِمَةَ وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ وَصِفَاتُهُمْ، وَ قَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ أَسْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ.» سیدالساجدین در این دعا، برای مزدداران کشورهای اسلامی طلب عزت و مدد الهی نموده و «زنج» را جزو قلمرو اسلام قلمداد کرده که مشرکان بر آنجا چیره شده‌اند. (کنعانی، ۱۳۸۷)

احمدو بامبا امباکه، پیر فرقه «مریدیه»، به عنوان کعبه پیروان این طریقت اعلام شد و تا به امروز، هر سال مراسمی شبیه حج به صورت گسترده در این شهر انجام می‌شود. ادعای سخن گفتن با خداوند - تعالی شأنه - و مهدویت از سوی لای ماجونه، پیر فرقه «لائیه» (وزین، ۱۳۸۶) و ادعاهای پرتکرار برخی صوفیان و پیران طریقت در رؤیت امام مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) یا ملاقات ایشان در سفر حج (<http://alkunty.com>) از آن جمله است. در کشورهای مرکزی آفریقا، که جنگ‌ها و خشونت‌های بیشتری رخ داده است، وضعیت مشابهی به چشم می‌خورد.

### جایگاه اجتماعی و اقتصادی شیعیان در اجتماع

«طبقه اقتصادی» و «شأن اجتماعی» دو سنجه مهمی هستند که قوت و ضعف جوامع شیعی را در هر منطقه تعیین می‌کنند. میزان تأثیر بر ساختارهای سیاسی بستگی به قوت و ضعف این دو سنجه دارد. هر جا شیعیان از طبقه متوسط و بالاتر هستند، شأن اجتماعی بالاتری دارند و در نتیجه، برش سیاسی آنها نیز بیشتر است و دست کم به آنها ستم نمی‌شود. در غیر این صورت، از ستم‌دیده‌ترین طبقات و قشرها هستند.

### نقش نیروهای مخالف و حامیان خارجی شیعیان

سلفی‌های تندرو و وهابیان دو دسته از معروف‌ترین و جدیدترین مخالفان شیعیان در کشورهای آفریقایی هستند. غربی‌ها نیز در کشورها و مناطق گوناگون و در برهه‌های حساس تاریخی، رویکردهای متفاوتی در برابر شیعیان داشته‌اند. شیعیان ایرانی، عراقی، لبنانی، کویتی، هندی و پاکستانی حامیان جوامع شیعی آفریقایی هستند.

### تقسیم‌بندی دیگری از شیعیان آفریقا: بومی و مهاجر

در کلی‌ترین دسته‌بندی، شیعیان آفریقا به دو دسته «بومی» و «مهاجر» تقسیم می‌شوند. بیشتر شیعیان بومی در آفریقا، محروم و یا بسیار فقیرند. بیشتر شیعیان مهاجر پیشینه بازرگانی موفق دارند و بازرگانان ثروتمندی هستند. تعداد کمی از

شیعیان مهاجر را شیعیان امامیه (دوازده امامی) تشکیل می‌دهند و بیشتر آنان شش امامی (بهره‌ها (جانباز، ۱۳۸۰، ص ۴) و آقاخان‌ها (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۷) یا همان اسماعیلیه نزاری و مستعلوی: پاک آیین، ۱۳۸۲)، هفت امامی (اسماعیلیه: دفتری، ۱۳۷۵، ص ۳ و ۶۲۳/ساعی، ۱۳۲۹، ص ۷۷/غالب، ۱۹۸۴، ص ۳۹۰) یا چهار امامی (زیدی: فهمی، ۲۵۳۷، ص ۴۱-۴۲ و ۹۶-۹۷) هستند. اسماعیلیان، به‌ویژه برخی از دسته‌های آنان (از جمله «آقاخان‌ها») از تشکیلات اجتماعی - اقتصادی قدرتمندی برخوردارند و با حمایت تشکیلات آقاخان چهارم (پرنس کریم آقاخان) از نفوذ سیاسی خوبی در کشورهای محل حضور خود برخوردارند.<sup>۱</sup> بسیاری از فرقه‌ها و طریقت‌های صوفیه شش یا هفت امامی هستند و یا باورهای التقاطی در آنها دیده می‌شود که عناصر سنی و شیعه در آن گنجانده‌اند. (عرب‌احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۵/کنعانی، ۱۳۸۷/جانباز، ۱۳۸۰/عرب‌احمدی، ۱۳۸۷، ص ۸-۱۸) شیعیان مهاجری که با عادات و رسوم آفریقایی نیامیخته‌اند و به ویژه اختلاط نژادی با آفریقاییان ندارند (عرب‌احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴-۱۵۷) به خوبی باورهای خود را حفظ کرده‌اند که بارزترین آنها خوجه‌های دوازده امامی هستند. البته این دسته از شیعیان به دلیل انزوای درون‌گروهی، از سیمای چندان خوشایندی در میان مردم بومی آفریقا برخوردار نیستند، ولی آنان به عنوان جمعیتی ثروتمند، که دارای قوی‌ترین تشکیلات شیعی در آفریقا هستند، جای پای محکمی برای اشاعهٔ تشیع در این قاره دارند. اعتقاد آگاهانه و فارغ از انحراف خوجه‌ها به تشیع، و روحیات کوشنده و سازندهٔ آنان، زمینه را برای سرمایه‌گذاری

۱. دو وبگاه اسماعیلیان جهان: [Http://www.Theismaili.Org](http://www.Theismaili.Org) و [Http://www.Ismaili.Net](http://www.Ismaili.Net)

کتاب‌خانه اسماعیلیان: [Http://www.Ismaili.Net/Libsect.Html](http://www.Ismaili.Net/Libsect.Html)

تاریخ اسماعیلیان: [Http://www.Ismaili.Net/Histoire/Main.Html](http://www.Ismaili.Net/Histoire/Main.Html)

وبگاه اسماعیلیان شرق آفریقا: [Http://www.Ismaili.Net/Source/Beforecol.Html](http://www.Ismaili.Net/Source/Beforecol.Html)

راديو - تلویزیون جهانی اسماعیلیان: F.A.I.R Tv - First All Ismaili Radio TV

[Http://www.Ismaili.Net/Fair/Video/Fair\\_TV.Html](http://www.Ismaili.Net/Fair/Video/Fair_TV.Html)

وبگاه سایت اسماعیلیان نزاری کریم آقاخان: [Http://www.Nizariismaili.Com/Index.Php](http://www.Nizariismaili.Com/Index.Php)

فرهنگی بر این جمعیت فراهم ساخته و چه بسا نیامیختن آنان با آفریقاییان موجبات پاک‌دینی آنان را فراهم آورده است. هرچند عدم آمیزش خوجه‌ها با بومیان جنبه دینی ندارد، ولی بر دین آنها تأثیر داشته است. این امر، راهبردی نژادی یا صنفی از سوی خوجه‌ها به شمار می‌رود. شاید اصلی‌ترین علت عدم پذیرش آنان در جامعه آفریقا همین امر باشد. پاک‌دینی آنان همچنین به ارتباط مستقیم با علمای نجف و حوزه قم مربوط بوده که پس از ارتباطات اولیه و تعدیل مذهب خود، همواره علمای بزرگ نجف و قم نماینده‌ای در میان آنها داشته و عامل هدایت و حرکت ایشان در مسیر درست مذهب تشیع بوده‌اند. (عرب‌احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴) لازم به یادآوری است که تشیع خوجه‌ها در عین حال که تمامی شاخه‌های تشیع دوازده امامی را دارد، در برخی موارد، آمیخته با فرهنگ هندی و متأثر از سنت‌های آنان است و همین امر در سرنوشت خوجه‌ها در آفریقا مؤثر بوده است. (کنعانی، ۱۳۸۷)

### تصوّف در آفریقا

در سراسر قاره آفریقا، اسلام و تشیع رنگی از تصوّف دارد. تصوّف در شمال، شرق و غرب آفریقا به سه شکل کاملاً متفاوت دیده می‌شود. در شمال آفریقا، دارای سیمای کاملاً انتزاعی است و ریشه در آیین‌های قدیم دارد و کمترین پویش‌ها در آن دیده می‌شود؛ اما با وجود این، گسترده بوده و شمار پیروان آن فراوان است. در آفریقای شمالی، تصوّف فرهنگ مبارزه و انتظار است. در این منطقه، در هنگام بررسی فرهنگ شیعی، باید تصوّف را نیز مطالعه کرد؛ زیرا به‌ویژه در کشورهای هم‌چون سودان، که کانون تصوّف و مرکز انتشار آیین‌های صوفیانه در آفریقا بوده، با قیام‌های متعدد این آیین‌ها با توسل به مهدویت، روبه‌رو هستیم. قیام مهدی سودانی از این نظر، بسیار مشهور است و این انتظار همچنان در سودان و الجزایر وجود دارد که منجی آخرالزمان ظهور کند. (امیردهی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵ و ۱۵۰-۱۵۸)

در غرب آفریقا، با وجود رواج عقاید شیعه - همچون مهدویت، که از عناصر اصلی بیشتر طریقت‌های صوفی آفریقای باختری است - و برپایی آیین‌های شیعی در میان صوفیان، رگه‌های انحراف در میان این طریقت‌ها نیز آشکار است. (فریدونی، ۱۳۸۷ / دانشگاه ادیان و مذاهب) به نظر می‌رسد به دلیل درگیر شدن پیران طریقت در رقابت‌های بین گروهی، آنان هرگونه ادعایی را برخود روا می‌بینند و بدان طریق تلاش می‌کنند پیروان بیشتری گرد آورند. (مهرنیا (ب)، ۱۳۸۶) در واقع، رهبری بسیاری از آیین‌های صوفی به دست افراد مردم‌فریبی افتاده که باورهای التقاطی آنان از باورهای باستانی و دین‌های شیء پرست آفریقا متأثر است. (مهرنیا (الف)، ۱۳۸۶)

همزمان در مناطق زیادی از غرب آفریقا، پدیده دیگری نیز دیده می‌شود که کاملاً عکس این جریان انحراف است. نوعی تعامل میان رهبران و مشایخ صوفیه و جمعیت‌های شیعی وجود دارد (معلم و عروج‌نیا) که از آن می‌توان در جهت تقویت وحدت مسلمانان استفاده کرد و علیه دشمنان به کار برد.

در شرق، تصوّف ریشه‌دار است، ولی مانند شمال و غرب آفریقا نیرومند نیست. وضعیت تصوّف در شرق بسیار شبیه وضعیت تصوّف در شمال آفریقا است. آیین‌های تصوّف در شرق آفریقا در عین حال که از آفریقای غربی تأثیر می‌پذیرد، بسیار تحت تأثیر کانون تصوّف آفریقا، یعنی سودان است. با توجه به اینکه در جنوب و جنوب شرقی آفریقا، اسلام و تشیّع به وسیله بازرگانان گسترش یافته، (رمضانی گل‌افزایی، ۱۳۸۷) از این نظر، این مناطق وضعیت کاملاً متفاوتی دارد و از این‌رو، در حالی که دولت در شمال آفریقا و تصوّف در شمال شرقی و غرب آفریقا دارای قدرت هستند، در جنوب و جنوب شرقی، اسلام و تشیّع از گذشته تا کنون به وسیله بازرگانان ترویج می‌شده است. به طور خاص، در این زمینه، باید از خوجه‌های هندی در تانزانیا و کنیا و کشورهای اطراف و تشکیلات حجة الاسلام سید آفتاب حیدر رضوی، روحانی و بازرگان پاکستانی در جنوب، نام برد. ([www.afosa.org](http://www.afosa.org))



حضور بازرگانان مسلمان و صوفیان فرقه‌های گوناگون دو بال ورود اسلام و تشیع و توسعه آن در سرزمین آفریقا بوده است که نباید از آن غافل شد؛ زیرا بازرگانان با فعالیت‌های مردمی و اخلاق نیکو - به اصطلاح - مردم‌داری کرده و زمینه‌های انتقال دین و مذهب را فراهم آورده و از گروه‌های شیعی حمایت مالی و معنوی کرده‌اند. و صوفیان نیز با روحیهٔ مدارا، ضمن جذب مردم و بسیج آنان در برابر قدرت‌های زمانه، از جمله استعمار در قرن پانزدهم و پس از آن، توانسته‌اند دژ استوار دفاع از اسلام و سرزمین خود را بنا نمایند رهبران مبارز صوفی در این مبارزه و جهاد مقدّس، نقش محوری و اساسی داشته‌اند.

### جمع‌بندی و پیشنهاد

پژوهش در جوامع آفریقایی بیانگر آن است که در بیشتر آنها (تقریباً همهٔ کشورها بجز کشورهای خط ساحلی شمال آفریقا) نوعی «کثرت‌گرایی مذهبی»<sup>۱</sup> پذیرفته شده است، اما این بدان معنا نیست که هرگونه اغتشاش، هرج و مرج، اختلال و تجزیهٔ کشورها توجیه‌پذیر باشد. این موضوع با فرهنگ سیاسی معاصر، که دولت‌های متمرکز را تجویز می‌کند، همخوانی ندارد. پذیرش کثرت‌گرایی دینی و تعدّد مذاهب این نتیجه را دارد که نیاز به تجربه‌ای نیرومند و قابل اعتماد، که به زندگی شخصی مردم معنا دهد و آنان را به دور رهبران فرهنگی و اجتماعی گرد آورد، ضرورتی انکار ناپذیر است. اما چنین تجربه‌ای در جوامع کنونی آفریقا وجود ندارد و بدین‌روی، مردم دیگر نمی‌توانند به صورت تقلیدی و کورکورانه از دستورات مقامات روحانی و صوفی پی‌روی نمایند. در جوامع نوین آفریقایی، مردم نیاز دارند تجربه‌های ارزشمندی دربارهٔ اتحاد و یکپارچگی ملّی و وحدت عمومی<sup>۲</sup> به دست آورند، البته نه

---

1. pluralism.  
2. Integration.

با بهای سنگین و گزاف. نیازهای جامعه اسلامی آفریقا متداخل است؛ یعنی نیاز معنوی آنان به برخورداری از سرچشمه‌های اصیل اسلامی با نیازهای مادی و فرهنگی - سیاسی آنان به برخورداری از سطح زندگی مرفه آمیخته است. باید توجه کنیم که در هر جامعه، گروه‌هایی وجود دارند که فرهنگ‌سازی می‌کنند (نخبگان فکری)، گروه‌هایی فرهنگ‌گستری می‌کنند (هنرمندان رشته‌های گوناگون)، و گروه‌هایی هم جهت‌گیری ساخت و گسترش فرهنگ را تعیین می‌کنند (نخبگان اقتصادی و سیاسی). بنابراین، به منظور برآوردن ابعاد گوناگون نیازهای شیعیان آفریقایی، ضروری است بر روی نخبگان هر جامعه سرمایه‌گذاری و تمرکز بیشتری صورت گیرد و بهتر آن است که شیعیان به سوی این نخبگان هدایت شوند، یا خود از میان این نخبگان باشند.

نخستین وظیفه‌ای که برای شیعیان متصور است بر ملا کردن ذات خرافی برخی آیین‌های به ظاهر اسلامی و آگاه کردن مردم از برداشت‌های ناصواب و نادرست از اسلام - به‌ویژه وهابیت - است. حرکت در جهت نیازهای مردم مناطق گوناگون، مهم‌ترین اصلی است که باید به آن توجه کرد؛ زیرا تنها در این صورت است که موفقیت حاصل خواهد شد.

صورت مسئله حضور شیعیان در آفریقا در قالب پرسش‌های ذیل مطرح می‌شود:

پرسش اول: برای گسترش تشیع به عنوان یک آیین اقلیت در کشورهای

آفریقایی چه باید کرد؟

پرسش دوم: تشیع در چه شرایطی تنش‌زا می‌شود و برای مبلغان و پیروان آن

ضرر جانی و مالی دارد؟

پاسخ به این دو پرسش، از طریق نظریه «شکاف‌های متقاطع» میسر است. این

نظریه معروف جامعه‌شناسی می‌گوید: در صورتی که تبلیغ و بسترسازی برای تشیع

در جهت شکاف‌های قومی، دینی، اجتماعی و حتی اقتصادی یک منطقه قرار گیرد، در

آن منطقه تبلیغ دچار سستی‌هایی می‌شود. حسین بشیریه در دو کتاب **دولت عقل و جامعه‌شناسی سیاسی** می‌نویسد: ساختار هر جامعه بر روی گسل‌هایی بنا شده است. در صورتی که این گسل‌ها متقاطع شوند آن جامعه دچار بحران می‌شود. (بشیریه، ۱۳۸۳، ص ۵۶۳) در هر جامعه، یکی از گسل‌ها، اصلی‌ترین و بحرانی‌ترین است و ترمیم آن به معنای افزایش انسجام اجتماعی بوده و افزایش شکاف‌ها به معنای دامن زدن به بحران‌هاست. برای نمونه، در جامعه نیجریه، گسل‌های دینی و اقتصادی جدی‌ترین گسل‌هاست. (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۹۵) گسل دینی حامل شکاف میان اکثریت مسیحیان، سنیان و اقلیت شیعی است. این شکاف، «شکاف شمال - جنوب» (ساعی، ۱۳۲۹، ص ۸۱/ والرستاین، ۱۳۷۷، ص ۲۸۸/ امین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱) نیز هست؛ زیرا مسیحیان در جنوب و مسلمانان در شمال ساکنند. از سوی دیگر، شمال کشور نیجریه خشک و فقیر است و جنوب مسیحی‌نشین، حاصل‌خیز و آباد. بنابراین، شکاف اقتصادی نیز بر شکاف دینی اضافه شده و «شکاف شمال - جنوب» را ژرف‌تر کرده است. افزون بر آن، حاکمان این کشور بیشتر از اهالی مناطق جنوبی‌اند. در همین شرایط است که شیعیان با رهبری ابراهیم زاکزاکاکی در جنوب منطقه مسلمان‌نشین - یعنی حد فاصل منطقه مسلمان‌نشین و مسیحی‌نشین - شروع به فعالیت کرده‌اند. به عبارت روشن، آنها در میان یک میدان جنگ قرار گرفته‌اند که هر دو طرف درگیر، دشمنان آنها هستند؛ زیرا آنها هم با سنیانی که در میانشان زندگی می‌کنند دچار مشکلات جدی و بنیادین هستند، هم با مسیحیانی که روش ضد مسلمانی در پیش گرفته‌اند. علاوه بر این، آنان به دلیل فعالیت‌های سیاسی و داعیه برپایی جمهوری اسلامی نیجریه، با دولت این کشور در تضاد به سر می‌برند و نیز به دلیل واقع شدن در منطقه فقیر و یارگیری از میان مردم محروم منطقه، بر روی گسل اقتصادی نیز واقع شده‌اند. به این شرایط، «شرایط تقاطع گسل‌ها» یا بر روی هم قرار گرفتن گسل‌ها گفته می‌شود که دقیقاً به معنای «بحران» است. به عبارت ساده، شیعیان این منطقه در شرایط بحرانی قرار دارند و تبلیغ اقلیت در شرایط بحرانی، ممکن است آنقدر پیامدهای منفی داشته باشد

که در دراز مدت، حتی به زیان تشیع در آن کشور، در کشورهای اطراف آن و حتی فضای منطقه‌ای تمام شود.

این نظریه بر مناطق جنوب شرقی آفریقا نیز قابل تطبیق است. در این مناطق، شیعیان نقاط بحرانی را شناسایی کرده و به جای سوار شدن بر بحران‌ها، کوشیده‌اند گسل‌ها را ترمیم کنند. حرکت علامه سید سعید اختر رضوی در مهاجرت از هند به تانزانیا و تأسیس نهادهایی که بومیان سیاه‌پوست را زیر پوشش بازرگانان ثروتمند شیعه هندی تبار قرار می‌داد، (عرب‌احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴ / روغنی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸) به معنای ترمیم شکاف اصلی این مناطق یعنی «شکافِ دارا - ندار» بود. از سوی دیگر، دوری خوجه‌ها از فعالیت‌های سیاسی و انجام فعالیت‌های تبلیغی در قالب نهادهای آموزشی، رفاهی، ورزشی، به معنای دوری آنان از سوار شدن بر موج بحران‌های سیاسی و دوری از شکاف‌ها و گسل‌های سیاسی منطقه بود که در دراز مدت، به سود شیعیان تمام شد. تشکیل نهادهای مشابه «جماعت شیعیان خوجه اثناعشری» و دفاتر و شعبه‌های این جماعت در جنوب آفریقا و در مناطقی که حتی پای اسلام نیز بدان‌جا نرسیده بود، نشان می‌دهد که ساختار تبلیغی خوجه‌ها قابل تقلید و گسترش در دیگر مناطق است.

پرسش سوم: چه نظریه‌هایی درباره شیوه‌های تبلیغ مؤثر و سرمایه‌گذاری فرهنگی - اجتماعی در جوامع دیگر ارائه شده که قابل تطبیق با وضعیت شیعیان آفریقا است؟ در پاسخ باید گفت: پدیده «تبلیغ غرب» یکی از حقایق مسلم جهان مسیحی است که حیاتی طولانی‌تر از سایر مفاد سیاست خارجی غرب دارد. این پدیده مکرر به اشکال گوناگون ظاهر شده است. یک مؤسسه زبان‌شناسی در «اکورومپا» (Ukurumpa) در فلات مرتفع گینه نو، در ازای فراگیری زبان‌های گوناگون و ترجمه انجیل و عهدین توسط مبلغان اعزامی، برای تصرف سرزمین‌های بیشتر، پرچم‌های کوچکی با رنگ‌های گوناگون روی نقشه بزرگی که ۷۵۰ گروه قومی پاپوایی را به زبان‌های گوناگون نشان می‌دهد، نصب می‌کند. جنگ میسیونری و تبلیغ مسیحیت

همانند دوران نخستین استعمار، یعنی قریب ۵۰۰ سال پیش، در قاره آفریقا هنوز زنده است. این تلاش و تقابل مسیحیت به دلیل مشکلاتی که درون جامعه مسلمانان وجود دارد، تقویت شده و تعمیق یافته است. در آفریقا، مسئله اصلی جامعه مسلمانان تضاد دو دیدگاه تندرو (سلفی) و میانه‌رو درباره حدود و ثغور حضور اسلام در عرصه جامعه است. در هر دو سطح فرهیختگان و توده مردم، افرادی که به یکی از این جریان‌ها تعلق داشته باشند، یافت می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای توسعه منافع تشیع، بر روی اندیشه‌ها و جریان‌های میانه‌رو، سرمایه‌گذاری فرهنگی انجام دهد. به دلیل حضور باستانی ایرانیان در مصر، که یکی از ایالت‌های امپراتوری ایرانی پیش از اسلام بوده است، (فهمی، ۲۵۳۷) و با توجه به پیشینه دیرین تشیع در این دیار، ایران می‌تواند با در پیش گرفتن راه‌کارهای میانه‌رو و برنامه‌ریزی شده، برای ایجاد روابط مسالمت‌آمیز گام بردارد. این کوشش‌ها باید پس از مطالعه دقیق این سرزمین و جامعه‌شناسی فرهنگ سیاسی - اجتماعی مصر و شمال آفریقا صورت پذیرد. در این زمینه، پژوهش حاضر کوشید برخی از ابعاد اجتماعی - فرهنگی جامعه آفریقایی مصر را بررسی می‌کند تا با شناخت گوشه‌هایی از تاریخ تشیع در این سرزمین، زمینه برای مطالعات تصمیم‌ساز فراهم شود.

فعالیت‌های شیعی در مناطق شمالی آفریقا - به‌ویژه مصر به عنوان پایگاه ساخت و گسترش جریان‌های فکری و سیاسی - با دو آسیب جدی مواجه است: نخست آنکه پس از انقلاب اسلامی ایران، این شائبه در میان محافل اهل سنت به وجود آمده است که فعالیت‌های شیعی برای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، و یا اینکه تشیع سیاسی در نهایت، خواستار پیوستن به ساختار حکومتی بوده و طالب حقوق خاص سیاسی - اجتماعی است. شخصیت‌ها، نشریه‌ها، سازمان‌ها و حرکت‌های تندرو نیز به این توهم دامن می‌زنند. دومین آسیبی که فعالیت‌های شیعیان را تهدید می‌کند مسئله داخلی است و از درون خود شیعیان فعال برمی‌خیزد. اگر به پیشینه برخی از گروندگان به این آیین در کشورهای سنی‌مذهب توجه شود ملاحظه خواهد

شد که آنان از مسلمانان سخت‌گیر و پر شور بوده‌اند که در نتیجه کوشش فکری و عملی، واقعیت‌های تشیع را پس از راه طولانی مبارزه کشف کرده‌اند. برخی از این نوشیعیان در گذشته، وهابی یا سلفی بوده‌اند و یا چندبار تغییر مذهب داده‌اند. بنابراین، پیشینه تندروانه آنها نشان از شخصیت پرشور آنها دارد. در نتیجه، در فعالیت‌های شیعی نیز از برخوردهای تندروانه نمی‌هراسند. بیان این موضوع از سوی برخی از این نوشیعیان که «جامع الازهر» از آن شیعیان است و باید به آنان بازگردانده شود، (درینی، ۲۰۰۳، ص ۲۸) موجب بروز درگیری‌های لفظی شدید، به‌ویژه در نشریات، دانشگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و حتی برخوردهای تنش‌زا در کشور مصر شده است. متأسفانه برخی از آنان نیز در موارد لزوم، از نام ج.ا. ایران بهره می‌برند و در مواقعی که احتمال دوستی با ج.ا. ایران برای آنان خطرناک است، بر ایران می‌تازند. بنابراین، ضروری است مجموعه‌هایی که با نام یا با پشتیبانی دولت ج.ا. ایران در مصر و شمال آفریقا فعالیت می‌کنند، از قواعد خاصی پی‌روی نمایند و نظارت یگانه‌ای بر آنان وجود داشته باشد.

به دلیل آنکه انجام امور فرهنگی در قالب آموزه‌های تشیع در برخی کشورهای اهل سنت، تنش‌زاست و چه بسا اثرات سوء آن بر جهان شیعه بیش از آثار سودمند آن باشد، لازم است به موارد ذیل دقت شود:

- هر یک از کشورهای شمال آفریقا از ژئوپلیتیک خاص خود برخوردار است و به ویژه باید میان شمال شرق آفریقا، مغرب عربی، غرب و جنوب شرق تفاوت قایل شد. بنابراین، مشی سیاسی و فرهنگی در این کشورها باید دارای ویژگی‌های خاص خود باشد.

- فعالیت‌های یک بعدی موجب حساسیت کشورها و آسیب‌پذیری فعالان می‌شود. بنابراین، لازم است در برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های فرهنگی، بسترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها نیز در نظر گرفته شود. برای مثال، انجام فعالیت‌های صرفاً اقتصادی و یک‌جانبه از سوی اروپاییان، این ذهنیت منفی را در

میان آفریقاییان برانگیخته که آنان در حال غارت آفریقا هستند. اروپاییان برای از میان بردن چنین باورهایی کوشیده‌اند بافت فرهنگی و اعتقادات دینی آفریقا را غربی و مسیحی کنند. فعالیت‌های یک‌جانبه برای تغییر آیین‌ها و ادیان نادرست و باطل و یا تشویق شیعیان، هم فعالیت‌ها را در زمینه این زمین را با آسیب‌های جدی مواجه می‌کند و هم به اتهام‌های غربی‌ها و وهابیان مبنی بر اینکه شیعیان با پشتیبانی ایران قصد ایجاد تنش در مناطق سنی آفریقایی را دارند، دامن می‌زند. بنابراین، لازم است این فعالیت‌ها صرفاً فرهنگی و دینی نباشد و بسترهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن نیز در نظر گرفته شود. به سخن روشن‌تر، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی شیعیان یا ایرانیان در کشورهای هدف به مثابه ابزاری مناسب برای نیرومند کردن حضور شیعیان، سودمند خواهد بود. برای مثال، سرمایه‌گذاری شرکت «ایران خودرو» برای تولید «سمند» در شمال آفریقا یا ساختن بیمارستان، (عرفه، ۲۰۰۸) هم مورد نیاز مردم منطقه است و هم زمینه‌های حضور سرمایه‌انسانی و مالی ایران شیعی در منطقه را بدون هیچ تنشی فراهم آورده است.

– فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در مناطق آفریقایی باید با برنامه‌ریزی بلندمدت و در چارچوب‌های سازمانی مشخص صورت پذیرد. لازم است در این برنامه‌ریزی به این مهم توجه شود که تبلیغ و گاه جذب شماری از افراد ممکن است زیان‌های زیادی در پی داشته باشد و اصولاً ارزش کار تبلیغی را زیر سؤال ببرد. برای مثال، شیعه شدن شمار کمی از افراد در مصر و هیاهویی که پس از آن برپا شد موجب گردید عرصه بر شیعیان چنان تنگ شود که در عمل، همه دستاوردهای کوشندگان تقریب مذاهب تا پیش از انقلاب اسلامی – اعم از شیعه و سنی – از دست رود، به‌گونه‌ای که کوشش‌های آیه‌الله تسخیری (جمعه، ۱۳۸۵)<sup>۱</sup> و حضور درازمدت او در

---

۱. به دنبال برگزاری هشتمین اجلاس مجمع عمومی جمعیت اسلامی لیبی، شرکت‌کنندگان بر تشکیل صندوق خیریه اسلامی برای کمک به مردم مستضعف، به‌ویژه ملت آفریقا، تأکید کردند.

منطقه، نتوانسته است فضا را تلطیف کند. بدین‌روی، لازم است حضور شخصیت‌ها و سازمان‌های متعلق به ج.ا. ایران بر اساس یک چشم‌انداز بلندمدت برنامه‌ریزی شود. لازم است در این چشم‌انداز، دو اصل کلی مدّ نظر قرار گیرد: یکی منافع بلندمدت مسلمانان و شیعیان در منطقه، و دیگری منافع بلندمدت و کوتاه‌مدت ج.ا. ایران در منطقه. منافع بلندمدت شیعیان در جهت تقویت جناح‌های میانه‌روی مسلمان قرار دارد. با فعالیت‌های «مجمع تقریب مذاهب» پیش از انقلاب اسلامی، مذهب شیعه به عنوان پنجمین مذهب اسلامی به وسیلهٔ مرحوم شیخ محمود شلتوت، شیخ الازهر به رسمیت شناخته شد (بحرانی (الف)، ۱۳۸۴، ص ۵۵۹ / آذرشب، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱ و ۲۰۳) و در نتیجه، کتاب‌های شیعی وارد کتابخانه‌های مصر گردید.<sup>۱</sup> با توجه به شرایط و خطراتی که امروز متوجه شیعیان است، در جوامع مسلمان آفریقا، حرکت در جهت منافع کلی مسلمانان، هم موجب تقویت جناح میانه‌رو و دیدگاه‌های میانه‌رو می‌شود و هم قدرت ج.ا. ایران را افزایش داده، منافع ملی دراز مدت ایران را تضمین می‌کند. تضمین منافع ملی ج.ا. ایران به خودی خود، موجب تقویت جریان‌های شیعی خواهد شد. بدین‌روی، لازم است ایرانی مقتدر در صحنهٔ سیاست خارجی ترسیم شود.

- بر اساس نظریهٔ ساموئل هانتینگتون، رشد و توسعه تنها در صورتی موفقیت‌آمیز است که با توسل به فرایندهای نهادسازی پیش رود. وی پس از بررسی جوامعی که به رشد دست یافته‌اند - اعم از غربی و شرقی - کلید موفقیت آنها در برنامه‌های پیش روی خود را «ساختارسازی و نهادینگی» ذکر کرده است. از نظر او و بسیاری دیگر از اندیشمندان جامعه‌شناسی توسعه، «نهادینه کردن برنامه‌ها» به معنای ساختاری کردن آنهاست و این مهم موجب تداوم برنامه می‌شود؛ زیرا به تدریج، نظامی «خود بازتولید کننده» و «خود تعمیر کننده» تعریف می‌شود که ضامن اجرای برنامه‌ها باشد؛ زیرا حتی اگر اشخاص تغییر کنند آن نظام و ساختار بر جای می‌ماند.

۱. این فتوای شیخ محمود شلتوت به وسیلهٔ شیخ بعدی «الازهر» نقض شد.



(هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۱۸-۲۳) در طرح‌ریزی برای شیعیان آفریقا نیز پیشنهاد می‌شود حضور نظام‌مند، نهادینه و ساختاری در منطقه آفریقا تعریف و تعمیق شود. حضور نماینده آیه‌الله سیستانی در منطقه (مومباسا، کنیا) و گشایش دفتر «مؤسسه امام علی (ع)»<sup>۱</sup> که متعلق به این مرجع عالی‌قدر است، (حکیمی، ۱۳۸۸/۱۳۸۸/۱۳۸۸) <http://alimamali.com> گام‌هایی برای گسترش تشکیلات شیعی و ارتباط مؤثر و پایدار میان شیعیان آفریقای شرقی با مراکز نجف، کربلا و قم به‌شمار می‌آید. با توجه به استقبال شیعیان منطقه از این مرجع عالی‌قدر و بنیة تشکیلاتی نیرومندی که در اختیار ایشان است، لازم است به نهادینه کردن فعالیت‌های شیعی از سوی نمایندگان ایشان توجه جدی صورت گیرد. در صورتی که امکان تجمیع فعالیت‌های شیعیان ایرانی و عراقی فراهم شود می‌توان این چشم‌انداز را ترسیم کرد که در آینده، تشکیلاتی همانند تشکیلات خوجه‌ها در آفریقا به وجود آید، با این تفاوت که رویکردهای این تشکیلات مردم‌گرا باشد و نه سودگرا. نهادسازی یک فرایند اجتماعی - اقتصادی است. نهادها در صورتی پایا می‌شوند که بنیان‌های اجتماعی و سیاسی استواری داشته باشند. هانتینگتون در آراء خود، توصیه‌هایی برای رسیدن به این مهم ارائه کرده است. (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷ و ۲۰۵ و ۵۷۵)

- ایجاد مناطق نفوذ یا کشورهای متحدی که با ایران روابط دوجانبه اقتصادی و سیاسی داشته باشند، در مناطق گوناگون آفریقا، موجب نیرومند کردن حرکت‌های شیعی و ایرانی خواهد شد. در این زمینه، لازم است در شمال شرقی آفریقا و مغرب عربی، دو کشور یا منطقه به عنوان هدف در نظر گرفته شود. مصر و بخش‌هایی از سودان در خاورمیانه آفریقایی، و تونس در مغرب عربی اهداف مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های سیاسی - فرهنگی به شمار می‌روند. استفاده از نهادهای نوین و مشارکت‌جو، همچون دانشگاه‌ها برای برقراری ارتباط با نظام دانشگاهی پیش‌رفته و

۱. دفتر مرکزی «مؤسسه امام علی (ع)» در قم قرار دارد.

پویای مصر و تونس، بسیار سودمند خواهد بود. به دلیل آنکه مصر قطب نظریه‌پردازی در جهان اسلام است، برقراری ارتباط میان کانون‌های علمی دو کشور موجب نیرومند شدن ساختار همکاری‌های ایران و مصر خواهد شد. همچنین با توجه به مشی میانه‌روتری که تونس نسبت به بسیاری از کشورهای مسلمان در سیاست‌های خود در پیش می‌گیرد، همکاری با این کشور در برخی زمینه‌ها، همچون صنایع سبک و سنگین، صادرات و واردات مواد خام و ساخته شده، یا صنعت گردش‌گری، زمینه‌های همکاری دوجانبه در امور دیگر - به‌ویژه امور دینی و فرهنگی - را موجب خواهد شد.

- در میان شیعیان امامیه شرق آفریقا، مشاهده می‌شود که به جمهوری اسلامی و شخصیت امام خمینی (ره) و آیه‌الله خامنه‌ای بسیار علاقه‌مندند و به شخصیت‌های برجسته انقلاب همچون شهید مطهری عشق می‌ورزند. این علقه‌ها در استقبال گسترده خوجه‌ها از آیه‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران که در سال ۱۳۷۵ که از اوگاندا، تانزانیا و کنیا دیدن کرد، و از دکتر محمود احمدی‌نژاد در سال گذشته به خوبی آشکار می‌شود. باید گفت: یکی از علل دل‌بستگی شیعیان امامیه و به ویژه خوجه به ایران، آگاهی آنها از تاریخ خود است که این مهم در قالب تشکیلات منسجمی که آنان دارند، میسر شده است. یکی از ویژگی‌های قومی شیعیان آن است که به ریشه‌های دینی و سرزمینی خود دل‌بسته‌اند و از این‌رو، شیعیان امامیه شرق آفریقا با آگاهی از این مهم، که اصالتاً ایرانی‌اند و قرن‌ها در حکومت شیرازی‌ها زیسته‌اند، پیوند روحی خود را با مرکزیت دینی خود (نجف و کربلا) و کانون مهاجرت خود (هندوستان و ایران) حفظ کرده‌اند. گسترش آگاهی‌های تاریخی - اجتماعی در میان جمعیت‌های شیعی، کارکرد دینی دارد. از این‌رو، فراهم آوردن زمینه‌های تحصیل در رشته‌های غیر دینی علوم انسانی می‌تواند بر جهان‌بینی دینی این شیعیان تأثیر مثبتی داشته باشد.

## منابع

۱. آذرشب، محمد علی، پیشینه تقریب، تاریخچه و مستندات دارالتقريب مذاهب اسلامي در قاهره و بررسی مجله آن (رسالة الاسلام)، ترجمه رضا حمیدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامي، ۱۳۸۳.
۲. ابوعالم، توفیق و شوقی محمد، السیده نفیسه، طهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، ۱۴۲۴ق/ ۲۰۰۳م/ ۱۳۸۲ش.
۳. احمد، حسام، «تشیع در مصر»، ماهنامه اخبار شیعیان، ش ۲۸، سال سوم، (اسفند ۱۳۸۳).
۴. افوسا، «سید آفتاب حیدر» در: [http://www.afosa.org/syed\\_aftab\\_haider.htm](http://www.afosa.org/syed_aftab_haider.htm).
۵. امیردهی، ع.ر، «سودان، پهناورترین کشور جهان اسلام»، اندیشه تقریب، سال دوم، ش ۷، (تابستان ۱۳۸۵).
۶. امیردهی، ع.ر، «مصر از هرم تا حرم (۱)»، اندیشه تقریب، سال سوم، ش ۱۰، (بهار ۱۳۸۶).
۷. امین، سمیر، سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، آگه، ۱۳۸۲.
۸. بحرانی، مرتضی (الف)، «محمد غزالی»، در: علیخانی، علی‌اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲)؛ از فروپاشی خلافت عثمانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
۹. بحرانی، مرتضی (ب) و سیاهی مصطفی، در: علیخانی، علی‌اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲)؛ از فروپاشی خلافت عثمانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
۱۰. بشیریه، حسین، «درآمدی بر جامعه‌شناسی اجماع و وفاق»، در: دولت عقل، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۳.
۱۱. \_\_\_\_\_، جامعه‌شناسی سیاسی، ج هفتم، تهران، نی، ۱۳۸۰.
۱۲. بنسی، عبدالسلام عبدالحمید، «شیعه در غنا»، ترجمه یعسوب اصغری، مجله اهل‌البيت، ش ۲۸، (رمضان المبارک ۱۴۱۵).
۱۳. بنی‌جمالی، شیما، نگاهی به تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای آفریقایی، خبرگزاری فارس، ۲۰ فروردین ۱۳۸۸، در: [www.farsnews.com/newstext.php?nn=8711150345](http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8711150345)
۱۴. بهبهانی، مرضیه، «علامه شرف‌الدین؛ مبارز وحدت‌گرا»، اندیشه تقریب، سال یکم، ش ۱، (زمستان ۱۳۸۳).

۱۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، **عاشورا در سرزمین‌ها**، جلد چهارم: **قاره آفریقا**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۶. پاک آیین، محسن، «اهل‌بیت؛ حلقه اتصال مردم ایران و مصر»، روزنامه ایران، ش ۲۷۱۶، سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۸۲.
۱۷. توفیق مجاهد، حوریه، **الاسلام فی افریقا و واقع المسيحية و الديانة التقليدية**، قاهره، جامعه القاهرة، مكتبة الانجلو المصریه، ۲۰۰۲.
۱۸. جانباز، علی (رایزن فرهنگی ایران در صنعا - یمن)، **گزارشی از مراسم شیعیان اسماعیلی - فاطمی یمن در شهر صنعا**، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سند ش ۸۹۷۷ جدید، ۲۳۴۶۰، قدیم، ۳۱ شهریور ۱۳۸۰.
۱۹. جبرین، عبدالله، **استفتا از شیخ عبدالله الجبرین پیرامون شیعیان**، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۳۰ بهمن ۱۳۷۴.
۲۰. جمعه، علی، «سخنان مفتی مصر درباره شیعه و سنی»، در: **مجله هفتگی اکتوبر**، ش ۱۵۶۲، ۱ اکتبر ۲۰۰۶»، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اداره کل آفریقا و عربی، ۱۰ مهر ۱۳۸۵.
۲۱. چلونگر، محمد علی، **زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۲۲. حکیمی، حسین (دیپلمات پیشین ایران در آفریقا)، «شیعیان شرق آفریقا»، (گفت‌وگو)، اردیبهشت ۱۳۸۸.
۲۳. خسروشاهی، سید هادی، «نواب صفوی و رهبران اخوان المسلمین: نخستین گام‌ها در راه تقرب»، **روزنامه اطلاعات**، ش ۲۳۸۳۵، شنبه ۷ بهمن ۱۳۸۵.
۲۴. دانشگاه ادیان و مذاهب، «فرهنگ ادیان جهان» در: <http://www.adyan.org/diploma.php?diplomaid=762>
۲۵. الدربینی، محمد، «نطالب بالازهر»، قاهره، **نشریه المجله**، ۲۰۰۳/۳/۱۶.
۲۶. دفتری، فرهاد، **تاریخ و عقاید اسماعیلیه**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزاد، ۱۳۷۵.
۲۷. دکمچیان، هریر، **اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، ۱۳۸۳.
۲۸. رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. در داکار، **گزارش ملاقات حجة الاسلام شیخ حسین لبنانی با دکتر بصیری، وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سنگال**، ۱۰ آبان ۱۳۸۶، در: <http://dakar.icro.ir/index.aspx?siteid=255&pageid=11745&newsview=516445>

۲۹. رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. در دوحه - قطر، گزارش پیرامون درخواست یک نویسنده شیعه مصری (صالح وردانی) مبنی بر تشکیل شورایی برای شیعیان مصر (ترجمه و بررسی مقاله‌ای در روزنامه الوطن قطر)، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۳۰ مهر ۱۳۷۵.

۳۰. رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. در سنگال - داکار، «سنگال».

<http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/dakar/fa/socialdepartment>

۳۱. رضوان طلب، محمدرضا، مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان، دستیاران: سید مجتبی طباطبائی و حسین رضوان طلب، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م/۱۳۸۵ش.

۳۲. رضوانی گل‌افزایی، صادق (رئیس مجمع جهانی اهل‌البیت<sup>علیهم‌السلام</sup> و مسئول شبکه ماهواره‌ای تقلین)، «شیعیان آفریقا» (گفت‌وگو)، ۱۳ بهمن ۱۳۸۷.

۳۳. روغنی، زهرا، شیعیان خوجه در آیینة تاریخ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۷.

۳۴. ریال، احمد فضیل، «شیعیان الجزایر»، ۱۹ اسفند ۱۳۸۷، در:

<http://www.shiiteworld.com/newsdetail.php?id=2227>

۳۵. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، فتوای شیخ محمد بن صالح العثیمین عضو شورای علمای بزرگ پیرامون شیعیان (روافض)، ترجمه جبار، ۳۰ بهمن ۱۳۷۴.

۳۶. ساعی، احمد، نظریه‌های امپریالیسم، تهران، قومس، ۱۳۷۶.

۳۷. ساعی، محسن، آفاخان محلّاتی و فرقه اسماعیلیه، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۹.

۳۸. سعدی، حمدی، «الزحف الشیعی فی الخلیج و الوطن العربی: السواد الشیعی الایرانی یداهم براءه السواد السودانی»، موسوعة الرشید، ۲۰۰۸/۰۸/۰۷، در:

<http://www.alrashead.net/index.php?tamdprev&id=225>

۳۹. سیوطی، محمد، «معجزه اخلاص در قاره سیاه: مردی که یک میلیون نفر را به تشیع مشرف کرد»، در: امید الشابی، علی (الاستاذ بكلية الشريعة و اصول‌الدین)، الصراع المذهبی بافریقیه الی

قیام الدولة الزیریه، تونس، الجامعة التونسية، الدار التونسية للنشر، ۱۹۷۵م/۱۳۹۵ق.

۴۰. شفیعی، مصطفی، «با شیعه در مصر»، مجله آینه پژوهش، سال پانزدهم، ش ۲، (خرداد و تیر ۱۳۸۳).

۴۱. شکیبا، محمد رضا، «احزاب اسلامی و تأثیر آنها در مردم‌سالاری آفریقا»، مجله مطالعات آفریقا، سال دوازدهم، ش ۱۶، دوره شانزدهم، (پاییز و زمستان ۱۳۸۶).

۴۲. شکیبایی، مهدی، «جنبه‌های غیر آشکار اقدام ناگهانی مغرب علیه تهران»، خبرگزاری قدس، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۸ اسفند ۱۳۸۷، در:

<http://www.asnoor.ir/Public/Articles/ViewArticles.aspx?Code=175733>

۴۳. شیروانی، سرویس صفحات سبز خبرگزاری ابنا، در:  
<http://www.abna.ir/data.asp?lang=1&Id=114959>
۴۴. صدر حسینی، سید علیرضا، «وضعیت فعالیت‌های اسلامی و عالمان دینی در کشور غنا»، ۲۴ اسفند ۱۳۸۵، در:  
<http://www.sadr-site.com/Diverse/01/02#02>
۴۵. طالشی صالحانی، حسین، نیجریه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
۴۶. طقوش، محمد سهیل، دولت آیویان، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۴۷. عرب‌احمدی، امیربهرام، زیمبابوه؛ سرزمین رازهای جاودان، تهران، مؤسسه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۲.
۴۸. \_\_\_\_\_، شیعیان تانزانیا، دیروز و امروز، تهران، الهدی، ۱۳۷۹.
۴۹. عرفه، جمال، «هل وصل التمدد الشيعي للسودان؟!»، ۳۰ ذی‌قعدة ۱۴۲۷، در:  
<http://www.almoslim.net/node/85851>
۵۰. \_\_\_\_\_، «مواقف ضد الشيعة في السودان»، ژوئن ۲۰۰۸، در:  
<http://www.islamonline.net>
۵۱. علیدوستی، حسین (معاون وقت رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. در تانزانیا)، «شیعیان شرق آفریقا»، (گفت‌وگو)، ۱۳۸۹.
۵۲. عمر موسی، عزالدین، دولت موحدون در غرب جهان اسلام، ترجمه صادق خورشیا، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۵۳. غالب، مصطفی، تاریخ دعوت اسماعیلی، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۸۴.
۵۴. فرحناک، سید احمد، «نگاهی به شیعیان کنیا»، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸، در:  
<http://www.shia-online.ir/article.asp?id=5526&cat=3>
۵۵. فریدونی، احمد، «انقلاب اسلامی و حرکت اسلامی نیجریه»، ۷ آبان ۱۳۸۷، در:  
<http://www.ommatnews.ir/archives/1446>
۵۶. فهمی، عبدالسلام عبدالعزیز، ایرانی‌ها و شرق آفریقا، ترجمه و نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۲۵۳۷.
۵۷. کلیب، سامی، «عبدالمنعم الزین: حیات و نشاطات (عبدالمنعم الزین، خلیفة المسلمین فی غرب افریقا)»، شبکه ماهواره‌ای الجزیره، ۲۰۰۴/۱۲/۱۰.
۵۸. کنعانی، یاسر، «تاریخچه تشیع در زنگبار و تانزانیا»، ۲۲ مهر ۱۳۸۷، در:  
<http://www.jahanetashaiio.blogfa.com/post-17.aspx>
۵۹. مؤذن، ابراهیم، «بیش از ۹۵ درصد شیعیان نیجریه مستبصر هستند»، خبرگزاری ابنا، ۳۰ مرداد ۱۳۸۷، در:  
[www.askquran.ir/thread8315.html](http://www.askquran.ir/thread8315.html)

۶۰. مؤسسه اندیشه‌سازان نور، مجموعه اسناد شیعیان آفریقا، ۱۳۸۸.
۶۱. مرغی، جاسم عثمان، «موسوعة الشیعة فی العالم؛ الشیعة فی شمال افریقیا»، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م.
۶۲. مصطفی، حمدی، «بررسی سیاسی تصوّف در مصر»، ترجمه و اضافه سید قاسم ذاکری، نشریه اخبار ملل، سال چهارم، ش ۲۰، (اردیبهشت ۱۳۸۷).
۶۳. معاونت امور بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری، نظر حجاج سال ۱۳۷۸ نسبت به شیعه، ۱۳۷۹.
۶۴. معلم، ملیحه و عروج‌نیا، پروانه، «تصوّف در آفریقا»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، در: <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=3589>
۶۵. ملکوتی‌تبار، سید حامد (رایزن فرهنگی ایران در سودان)، «تبیین جایگاه فرهنگی و وضعیت کنونی اندیشه در سودان»، ۲۴ اسفند ۱۳۸۸، در: <http://www.unified-ummah.com/?a=content.id&id=482>
۶۶. مور، برینگتن، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی (نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان)، ترجمه حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
۶۷. مهدوی، محمدشریف، شیعه در جهان آفریقا، سفارت ج.ا.ا. در نایروبی، ۳۰ بهمن ۱۳۶۹.
۶۸. مهرنیا، سید کاظم (الف)، «جامعه و فرهنگ آفریقا در جهان معاصر؛ فرهنگ، آداب و رسوم، سنت‌ها، ادیان ابراهیمی، باورهای آنیمیستی، گروه‌های نژادی، زبانی و نهادهای اجتماعی»، ۱۳۸۶، در: <http://www.kmehrnia.blogfa.com/86061.aspx>
۶۹. مهرنیا، سید کاظم، (ب)، «طریقه‌ها و فرقه‌های اسلامی در نیجریه (۲)»، ۶ شهریور ۱۳۸۶، در: <http://www.kmehrnia.blogfa.com/86061.aspx>
۷۰. ناصری طاهری، عبدالله، فاطمیان در مصر، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۷۱. نانجی، رمضان، «ایران باید با شیعیان جهان ارتباط برقرار کند»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ خرداد ۱۳۸۴.
۷۲. والرستاین، ایمانوئل، سیاست و فرهنگ در نظام متحوّل جهانی (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر)، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نی، ۱۳۷۷.
۷۳. وزین، علیرضا (الف)، «مسلمانان جمهوری سنگال»، مرکز فرهنگی ایران در داکار، ۲۴ آبان ۱۳۸۶، در: <http://dakar.icro.ir/?c=documentShow&documentId=19025&t=4>

۷۴. وزین، علیرضا (ب)، «ادیان و مذاهب در سنگال»، مرکز فرهنگی ایران در داکار، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۶، در:

<http://dakarcro.ir/?c=documentShow&documentId=18970&t=4>

۷۵. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علم، ۱۳۸۲.

76. Al-Khoei, Yousif, "Obituary: Mulla Asghar Ali Jaffer" **The Independent**, London, Apr 5, 2000.

77. Hassan, Hussein, "Islam in Africa", **CRS report for congress**. May 9, 2008.

78. "History of the Khoja Shia Ithna-asheries", in: <http://www.africafederation.org/newlook/official/aboutus.htm>.

79. "Islamic Movement of Nijeria (Oficial website of Nijeria's Shia", in: <http://www.islamicmovement.org>.

80. Janabi, Ahmed, **Shia books spark debate in Sudan**, Friday, Decembr22, 2006, in:

<http://english.aljazeera.net/news/africa/2006/12/2008525121645645606.html>

81. Oded, Arye, **Islam and politics in Kenya**, Published by Lynne Rienner Publishers, 2000.

82. "Mapping the Global Muslim Population, a Report on the Size and Distribution of the World's Muslim Population, Sunni and Shia Populations", October 2009, in: <http://pewforum.org/Muslim/Mapping-the-Global-Muslim-Population%286%29.aspx>.

83. Pew Forum on Religion & Public Life, "Mapping the Global Muslim Population", A Report on the Size and Distribution of the World's Muslim Population. October 2009, in:

[http://pewforum.org/uploadedfiles/Orphan\\_Migrated\\_Content/Muslimpopulation.pdf](http://pewforum.org/uploadedfiles/Orphan_Migrated_Content/Muslimpopulation.pdf)

84. Terdman, Moshe, "The Idea of Mahdi in Senagal's Mouride Brothehood." **Islam in Africa Newsletter**, Director and editor: Reuven Paz, v.1, n.6, November 2006, in: <http://www.e-prism.org>.

85. <http://alkunty.com/downloadables.htm>

86. The website of Qadiria Tariqah of Nigeria, <http://www.kanoonline.com/religion/qadriyya/publications.html>.